

دوره ششم تفهینیه

مذاکرات مجلس

شماره
۱۷۷

جلسه
۲۱۲

قیمه اشتراك

داخه ایزان سالیانه ده تومان
خارجه « دوازده تومان

قیمه تك شماره
يك قران

مندرجات

فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی
خواهد بود

پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در يك شماره منتشر میشود.

مطبعة مجلس

تاریخ تاسیس آذر

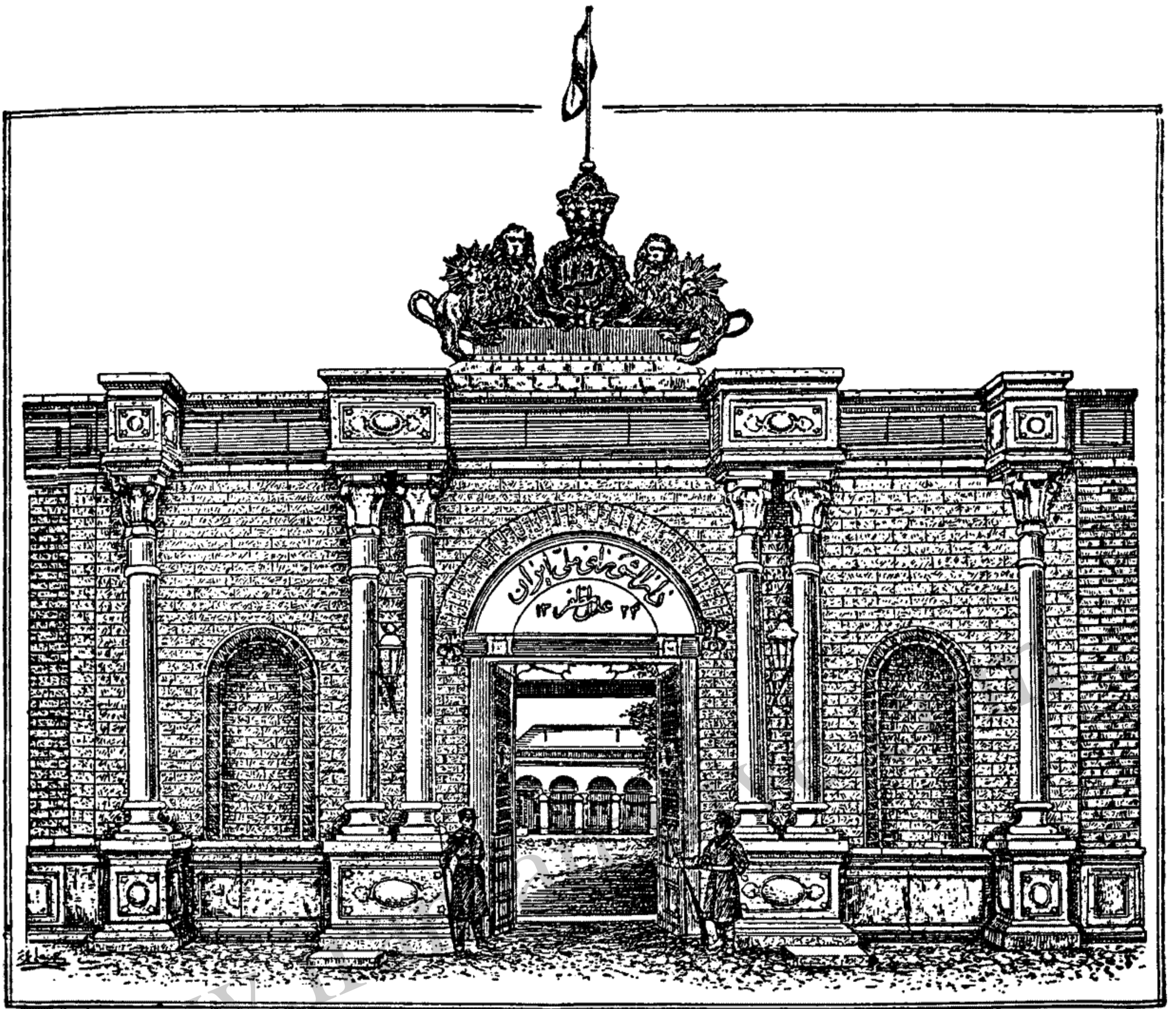
۱۳۰۵

جلسه شنبه ۲۸

بهمن ماه ۱۳۰۶

مطابق ۲۵ شعبان المعظم

۱۳۴۶



مذاکرات مجلس

دوره ششم تقنینیه

صورت مشروح مجلس شنبه ۲۸ بهمن ماه ۱۳۰۶ مطابق ۲۵ شعبان المعظم ۱۳۴۶

جلسه ۲۱۲

غائبین با اجازه جلسه قبل
 آقایان : پالیزی - بنی سلمیات جوانشیر - میرزا
 حسن خان وثوق - محمود رضا - یحیی خان زنگنه
 غائبین بی اجازه جلسه قبل

(مجلس دو ساعت و نیم قبل از ظهر
 ریاست آقای پیرنیا تشکیل گردید)
 (و صورت مجلس یوم پنجشنبه ۲۶
 بهمن را آقای نکهبان قرائت نمودند)

آقایان: اسدی - اعظمی - حق نویس - نظام مافی - حاج شیخ بیات - حاج حسن آقا ملک - حاج غلامحسین ملک -

دیر آمده کان با اجازه جلسه قبل

آقایان: عراقی - شیروانی - روحی - طباطبائی وکیلی - جهانشاهی -

دیر آمده کان با اجازه جلسه قبل

آقایان: شریعت زاده - قوام شیرازی - میرزا ابراهیم آشتیانی -

رئیس - آقای حقنویس

حقنویس - قبل از دستور عرض دارم چون در صورت جلسه هم بنده را غایب بی اجازه نوشته اند از این جهت میخواستم عرض کنم که اجازه خواسته ام رئیس - چند فقره خبر کمیسیون مرخصی است قرائت میشود (شرح ذیل قرائت شد)

نماینده محترم آقای حاج شیخ بیات برای مسافرت ضروری از ۲۴ دی ماه ۱۳۰۶ اجازه يك ماه مرخصی نمودند کمیسیون عذر ایشان را موجه دانسته با مرخصی ایشان موافق و خبر آن را تقدیم مینماید

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - موافقم مخالفی ندارد

رئیس - رأی گرفته میشود به این خبر آقایان

موافقین قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. خبر دیگر

نماینده محترم آقای آقامیرزا جوادخان امامی بشرح تقاضا نامه از یازدهم فروردین مدت سه ماه بعد از کسالت مزاج و معالجه اجازه مرخصی خواسته اند و نماینده محترم آقای دکتر رفیع خان امین لزوم آنرا در تقاضا نامه مزبور قید فرموده کمیسیون عرایض و مرخصی پس از مطالعه با دو ماه مرخصی ایشان از ۱۵ فروردین ماه ۱۳۰۷ موافقت نموده خبر آن را

تقدیم میدارد

رئیس - آقای عدل

عدل - عرض میشود راجع مرخصی ها که از کمیسیون خبرش را میفرستند اخیراً بکفایت مخالفت میشود با بعضی از رفقای ما مثلاً آقای جوانشیر اخیراً وقتی که در مرخصی بودند از آنجا ننگرافاً يك ماه اجازه مرخصی خواسته اند در تلگرافشان هم عرض کرده بودند بمقام ریاست که چون راه بسته شده است من نمیتوانم حرکت کنم و بالاخره با این عذر موجه مرخصی ایشان رد شد و همچنین آقای مقدم با اینکه مرخصی بودند و بنده هم که با ایشان همسایه هستم از گرفتاری ایشان اطلاع داشتم متأسفانه مرخصی ایشان هم رد شد و حالا راجع مرخصی آقای امامی هم با وجود تصدیق دکتر و با وجود اینکه همه آقایان میدانند که ایشان در سال گذشته سخت ناخوش شدند بطوریکه از حیات ایشان مایوس شده بودند مدتی رفته بودند در اذربایجان و در آنجا تغییر آب و هوا دادند و حالا هم دکتر تشخیص داده است و تجویز کرده است که ایشان باید بروند برای معالجه و سال گذشته هم ایشان به پیچوجه مرخصی نکرده اند فقط امسال ایشان سه ماه مرخصی خواسته اند بنده میخواستم آقایان را متذکر کنم به اینکه اشخاصی هستند که شاید پنج شش مرتبه مرخصی خواسته اند و همیشه هم مرخصی شان تصویب شده است و این تبعیض بکفایت سبب ناس رفقا میشود بنده میدانم این مخالفت کمیسیون عرایض از چه نقطه نظر است این است که پیشنهاد کردم که به تقاضای خود ایشان رأی گرفته شود زوار مخبر کمیسیون - اولاً معلوم نشد که نماینده محترم موافقت یا مخالف و اگر هم میخواستند پیشنهاد کنند بایستی در موقع گرفتن رأی پیشنهاد کنند و اینکه فرمودند کمیسیون عرایض با رفقای ایشان مخالفت میکند بنده نفهمیدم که رفقای ایشان کیست که رفقای ما نباشند کمیسیون عرایض با يك نظر موافقت و بالاخره در عین

حال وجدان خودشان را حکم قرار میدهند و مرخصیها را تصویب میکنند دیگر اینکه فرمودید آقای مقدم مریض بودند خیلی کم حافظه تشریف دارید برای اینکه روزیکه آقای مقدم مریض بودند در وزارتتالیه بانده و حضرتعالی پیش وزیر مالیه بودیم

عدل - تکذیب میکنم

زوار - به نوبه خودتان حرف بزنید راجع بجه انشیر هم دیگر چیز ندیم که يك قضیه که گذشته دوباره عرض کنم و آن هم تشخیص بمقام ریاست است و راجع مرخصی سه ماهه آقای امامی هم همینطور که اظهار شد روی همان نظریه آقای دکتر رفیع خان بود که کمیسیون دو ماه تصویب کرد و بالاخره کمیسیون معتقد بودند که ایشان بهر نقطه از نقاط اروپا که بروند زیاده از بیست روز طول نمیکشد بیست روز میروند و بیست روز برمیگردد باقیش هم مشغول معالجه باشد

رئیس - رأی گرفته میشود

زوار - بنده این خبر را پس میگیرم اجازه بفرمائید برگردد بکمیسیون و تجدید نظر شود

رئیس - خبر دیگر قرائت میشود

(اینطور خوانده شد)

نماینده محترم آقای میرزا ابراهیم آشتیانی از تاریخ نهم بهمن ماه که مدت مرخصی ایشان منقضی شده است بشرح تقاضا نامه مدت پانزده روز دیگر تمدید خواسته اند کمیسیون عرایض و مرخصی برای مذاقه کامل از اداره مباشرت مدت غیبت مصوبه معزی الیه را از اول دوره ششم تحقیق نموده مطابق توضیح کتبی اداره مذکور نماینده محترم نهم بهمن ماه سه ماه و بیست روز غیبت متناوب داشته اند بنابراین کمیسیون عرایض و مرخصی با تقاضای تمدید مرخصی ایشان موافقت نکرده خبر آن را تقدیم میدارد.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده عرضی ندارم

رئیس - آقای کازرونی

کازرونی - با آن شرح و بسطی که آقایان در این راپرت داده اند چیزی را که بنده فهمیدم که مدرک و مستند خودشان قرار داده اند منحصر آن است که چون سه ماه و چند روز مرخصی ایشان بالغ شده از اینجهت ما تصویب نکردیم اگر اینطور است که مادیروز بود برای یک نفر از نمایندگان مدت چهار ماه تصویب کردیم و مخالف هیچ قانونی هم نبود ممکن است یک نفر از نمایندگان دارای يك عذر موجهی باشند نه تنها سه ماه چهار ماه شش ماه بلکه بیشتر اجازه مرخصی نخواهند بنده لزوماً بعرض آقا میرسانم که نمایندگان عموماً علاقه مند مجلس هستند و در صورتیکه حقیقه مجبور نباشند هیچ دلیل ندارد که اجازه نخواهند بنده خودم سه دوره است که وکیل هستم سؤال میکنم از آقایان که کدام يك ماه بوده است که اجازه مرخصی خواسته ام و اگر يك روزی هم اجازه میخواهم برای اینست که بروم کارهای وکالتی خودم را انجام دهم تمام آقایان هم همین حال را دارند بنده سؤال میکنم که آیا میرزا ابراهیم آشتیانی برای تجارتی رفته اند یا برای کار شخصی رفته اند اولاً مریض بودند ثانیاً بواسطه برف و مسدود شدن راهها خودشان و خانوادهشان چند روزی معطل شدند خوب بود اقلاً آقایان خودشان را میخواستند و تحقیق میکردند ایشان که علم غیب ندارند و میدانند که چرا معذرت بوده اند در هر صورت بنده معتقدم که خوب است کمیسیون عرایض بکفایتی قضایا را جدی تلقی کند بنده می بینم که از صورت جدی خارج شده نمیخواهم عرض کنم از روی طرفیت است استغفرالله ولی يك کسی را یکماه مرخصی دادن و ده روز مرخصی دیگری را رد کردن اینها برخلاف شان مجلس است

مخبر - آن چهار ماهی که نماینده محترم فرمودند که

مرخصی داده شده آن راجع به این کمیسیون فعلی

نیست و مربوط بکمسیون سابق بوده است و گناه ایشان را هم کردن این کمسیون نمیشود انداخت راجع به نماینده محترم آقای آقا میرزا ابراهیم آشتیانی بطوری که در خبر ذکر شده ایشان سه ماه ویدست و دو روز از اول دوره تقنینیه اجازه خواسته اند و مرخصی داشته اند...

یکی از نمایندگان - اینطور نیست

مخبر - اداره مباشرت اینطور صورت داده است کمسیون مطالعات و تحقیقاتش از روی صورتی است که اداره مباشرت داده است و البته تصدیق میفرمائید که برای بکنفر نماینده در ظرف دو سال بیش از سه ماه ویدست و دو روز دیگر نمیشود مرخصی قائل شد از این جهت کمسیون بعد از تحقیقات آن مدتی را هم که تصویب کرد از نقطه نظر علاقه مندی به زیارت اعتبار مقدسه بوده است و آن بانزده روز چون زائد بود تصویب نکرد رئیس - رأی گرفته میشود

زعیم - بنده پیشنهادی دارم

رئیس - پیشنهاد نمیشود داد اول به خبر رأی میگیریم اگر رد شد به اصل تقاضای رای میگیریم فعلا رای گرفته میشود بمفاد این خبر آقایانیکه تصویب می کنند قیام فرمایند.

(کسی قیام نکرد)

رئیس - تصویب نشد . رای گرفته میشود به اصل تقاضا آقایانیکه موافقت قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد

وزیر داخله - بنده استدعا کرده بودم لایحه مخارج انتخابات جزو دستور شود

رئیس - آقای مدرس

مدرس - عرض میشود که بنده با اینهایی که در دستور است و آن چیزی که آقای وزیر داخله پیشنهاد کرده اند مخالف نیستم ولی يك مسئله است که بعقیده

بنده دو سه دقیقه بیشتر عمر صرفش نباید کرد و خیلی هم مهم است اگر آقایان صلاح میدانند اول او مطرح شود بعد وارد مطالب دیگر شویم و آن تبصره است که راجع بماده ۱۴ قانون ممیزی است و يك تفسیری است و مسئله این است که حقیقه ما تجربه کردیم و دیدیم که فرضا اگر يك قانونی وضع کنیم که دولت يك مأموری معین کند دم دروازه که هر کس میخواهد وارد شود سلام بهش کند آن قانون هم ما را بزحمت خواهد انداخت هر قانونی که در مجلس گذرانیم بعد از آنکه رفت در مورد اجرا اسباب زحمت میشود در صورتیکه واقعا نظر وکلا خدمت بمملکت و موکلینشان است و این در خارج بدست مامورین میافتد و اسباب زحمت مردم میشود يك قانون در چند وقت قبل از این گذرانیم که مالیات اصناف را برداریم بجان شما هفته نمیگذرد که کاغذ شکایات از نقاط مختلفه رسد که اصناف را در فشار گذارده اند که مالیات پارسال و پیرار سال را بدهید قانون ممیزی که بعد از زحمت های دو دوره مجلس از مجلس گذشت ولیکن در موقع اجرا اسباب يك زحمت فوق العاده برای مردم شد از جمله متعلق بانجاهاستیکه آب رودخانه دارد يك مالیاتی مطالبه میکنند در خصوص آب و يك مالیاتی مطالبه میکنند از زراعت لهذا چون بنده خودم در این مسئله رفته ام و تحقیقاتی در راه این کرده ام لهذا يك تبصره است که آقایان پیشنهاد کرده بودند و بنده هم امضا کرده ام تقاضا دارم چون مردم در زحمت هستند آقایان راجع باین مسئله موافقت فرمایند که این پیشنهاد برود بکمسیون قوانین مالیه و در کمسیون دقت بکنند که در این یکماه آخر سال چندین هزار نفوس که همه در فشار هستند از دست مامورین راحت شوند و بعد وارد دستوری که آقایان میفرمایند بشویم

رئیس - آقای رفیع

رفیع - عرض میکنم راجع باین تبصره که آقا فرمودند اغلب آقایان موافقت برای اینکه همه تصدیق داریم که

این قانون ممیزی خیلی اسباب زحمت مردم شده است و برای اصلاح آن همیشه نمایندگان شمال و جنوب حاضر شده اند که يك تسهیلان را قائل شوند ولی تصدیق می فرمایند که این کلیت ندارد که هر قانونی که از مجلس گذشت اسباب زحمت مردم بشود برای اینکه مامردمان عاقلی هستیم وقتی میبینیم يك قوانینی میگذرد که اسباب زحمت مردم میشود نباید آن قانون را وضع کنیم بنده هم معتقدم که ممکن است برای قوانین در اجرا اسباب زحمت مردم شود ولی این لایحه سیم کشتی که پیشنهادی آقای آقا سید یعقوب است و جزء دستور هم است که مورد توجه آقایان است يك تبصره مختصری است و بایستی تکلیفش معین شود اگر آقا اجازه میدادند که داخل در دستور شویم و آقای رئیس هم تلفن میکرد به وزیر مالیه که ایشان هم حاضر شوند و تکلیف این تبصره معلوم شود بعد آن موضوع مطرح شود بهتر بود

رئیس - آقایانیکه پیشنهاد آقای مدرس را تصویب

میکنند قیام فرمایند

[اغلب قیام نمودند]

رئیس - تصویب شد

(تبصره مزبور بشرح ذیل قرائت شد)

غیر از مالیات ممیزی که صدی سه و از مجموع زراعت حاصله از زمین و آب گرفته میشود نمیتوان از آب بالخصوص چه آب قنات و چه آب رودخانه که سابقاً مالکین بعنوان حقابه میبرده اند و میبرند مالیات یا عوارضی مطالبه . افسر - معتمدالتولیه - عمادی - مدرس سید کاظم - دهستانی و جمعی دیگر از آقایان

رئیس - فوریتش مطرح است آقای کازرونی

کازرونی - عرض می کنم بنده نظر باینکه این طرح بکمسیون ارجاع میشود موافقت کردم و رای هم دادم و حالا هم موافقم و استدعا میکنم که فعلا صحبتی در این باب نشود چون میرود به کمسیون و همینقدر در تحت

عنوان مخالفت خواستم این را عرض بکنم اگر مطرح بود البته بنده عریاضی داشتم و اطلاع هم دارم که وزارت مالیه تجدید کلیه قانون را در نظر گرفته و شاید در کمسیون قوانین مالیه مطرح باشد این هم جزء آن است و بالاخره تصمیم کلی راجع باین موضوع در کمسیون گرفته خواهد شد

آقا سید یعقوب - بنده با فوریت مخالفم اگر اجازه میفرمائید عرض کنم

رئیس - آقای دهستانی

دهستانی - بنده موافقم عرض میکنم که موضوع فعلا در مجلس مطرح نیست که موافقت یا مخالفتی بشود مقصود این است که برود بکمسیون و بطوریکه آقای مدرس فرمودند این مسئله بقدری اسباب زحمت مردم شده است که حاضر شده اند از زراعت خودشان صرف نظر کنند بنده تقاضا میکنم از آقایان که موافقت فرمایند این موضوع برود در کمسیون و در اینجا تنظیم شود و بعد که برکت مجلس موافق و مخالف در اطرافش صحبت کنند

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - چون آقای مدرس يك بیاناتی فرمودند که بنده اساساً مخالفم و بنده میدانم که عوامل زراعت پنج چیز است آب - زمین - کار - نخم و رعیت بنده عقیده ام این است که مالیات هم به آب است و هم به زمین این است که بنده با فوریتش مخالفم و تقاضا میکنم مجلس رای بدهد که مثل لوائح معمولی در تحت دو شور بیاید میرود بکمسیون قوانین مالیه در آنجا نظریات خودشانرا اظهار میکنند دو مرتبه بر میگردد بمجلس زیرا این مسئله خیلی مهم است باین نظر بنده نمیتوانم موافقت کنم و نمیتوانم بخزانة مملکت ضرر بزنم بنا بر این با فوریتش مخالفم و بایستی دو شوری باشد

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

دادگر - بنده مخالفم

رئیس - بفرمائید

دادگر - يك مطایب است که بایستی گفته شود و اگر گفته نشود ممکن است که قضیه بحال اجال بماند و دلائلی داریم که بایستی گفته شود و آن این است که این در مجلس شورای ملی معهود است که قضا یا خواه ضعیف باشد و خواه قوی قابل مطالعه است بنده عرض میکنم که يك قضیه که فرضاً هم دلائل بر علیه آن اغلیت داشته باشد این نفي صلاحیت ازش نمیکند که درش مطالعه شود این پیشنهادی که آقای مدرس فرمودند می رود در کمیسیون و مطالعه میشود و بالاخره بنده تصور میکنم که بایستی در مقابل فرمایش آقای آقا سید یعقوب گفته میشود که این امروز در مجلس موکول بیک رای نهائی نمیشود می رود در کمیسیون و در معرض تحقیق و مطالعه می آید و باز می گردد بمجلس بنا بر این جای نگرانی نیست

رئیس - به کیفیت مذاکرات که دیگر لازم نیست رأی گرفته شود؟ عطلبشان را گفتند رأی میگیریم به فوریت آقابانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - اولاً بنده يك اشتباهی دارم مقام ریاست باید رفع کنند و آن این است که فوریت قبل از قابل توجه است یا بعد؟ اگر قبل از قابل توجه است به عقیده بنده باید قابل توجه شود بعد داخل در فوریتش بشویم. زیرا وقتی قابل توجه واقع شد و مجلس فوریتش رأی داد دیگر در ماهیتش وارد نمیشویم و می رود بکمیسیون.

رئیس - يك همچو مواردی پیش آمده است ولی بنده خودم شك دارم نمیدانم اول بقابل توجه بودنش باید رأی گرفت یا بفوریتش و این را باید مجلس حل کند و این دفعه اول نیست که همچو رائی گرفته میشود و سوابق هم دارد. خبر کمیسیون بودجه راجع باضافات پست و تلگراف مطرح است...

شیروانی - تکلیف این طرح چه میشود؟
رئیس - اگر پیشنهادی دارید بفرمائید
شیروانی - هنوز قابل توجه نشده است
دادگر - بنده عرض دارم اجازه میفرمائید؟
رئیس - بفرمائید

دادگر - اگر قبل از رأی فوریت این مسئله مطرح میشد البته باید تجزیه کنیم ولی وقتی رأی فوریت گرفته میشود قابل توجه در ضمنش است...

(همه نمایندگان - اینطور نیست)

دادگر - رأی فوریت معنایش این است که نه تنها قابل توجه است بلکه سریعاً و فوراً قابل توجه است بنا بر این بگمرتبه دیگر بقابل توجه بودن رأی گرفتن معنی ندارد

رئیس - آقای حشمتی
حشمتی - بنده يك پیشنهادی عرض کرده بودم استدعا میکنم خوانده شود

رئیس - آن مطلب دیگری است
شیروانی - بنده عرض نظامنامه دارم
رئیس - آقای فهیمی

فهیمی - بنده تصور میکنم رأی فوریت یا قابل توجه بودن هیچکدام لزوم نداشت زیرا يك طرحی راجع به اصلاح قانون میزبان چند روز قبل در مجلس مطرح شد فوریت آن هم رأی داده شد و يك اصلاحی بود که باید در آن قانون ضمیمه شود و الان هم در کمیسیون مطرح است و اگر بنا باشد هر ماده این لایحه علیحده علیحده بفوریت و قابل توجه بودن آن رأی گرفته شود که معنی ندارد این تبصره را هم در ضمن همان لایحه اصلاح می کنند و راپرت آن را بمجلس تقدیم میکنند و حالاً که رأی به فوریت آن داده شده است البته قابل توجه بوده است

رئیس - آقای شیروانی

شیروانی - عرض کنم بنده عقیده دارم و شاید خود آقای مدرس هم که علاقه مند باین تبصره هستند این عقیده را دارند که در يك مسائلی که ما علاقه مند هستیم نباید سلب شود که در مجلس يك سوابق غلطی بگذاریم. آراء مجلس هیچوقت ضمنی نیست. مجلس باید در مسائل صریحاً رأی بدهد طرز دادن رأی هم در نظامنامه معین شده به قیام و قعود یا ورقه یا مهره و رأی ضمنی جزو آراء مجلس در نظامنامه قید نشده برای موضوع فوریت و موضوع قابل توجه شدن طرح ها هم درست دو فصل متمایز را در نظامنامه داریم کسی هم ناظر آقای دادگر مخالف نیست ولی باید يك رأی هم بقابل توجه بودن بگیرند شما نظامنامه را ملاحظه بفرمائید مطلب معلوم است

مدرس - مانعی ندارد

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده هم با آقای شیروانی موافقم

رئیس - آقای عراقی

عراقی بنده هم موافقم که رأی ضمنی نمیشود

رئیس - آقای دادگر

دادگر - چون نمیشود اشکال تراشی کرد ولی رأی اینکه عمل با احتیاط هم کرده باشیم يك رأی هم بقابل توجه بودن میگیریم ولی این جا رأی ضمنی نبود و این تعبیری که شد صحیح نبود و حالا بنده در این باب چیزی عرض نمیکم و چون بکعبه موافق پیدا کردیم مخالفی نمیکم که يك رأی هم بقابل توجه بودنش گرفته میشود که نگران آقای شیروانی هم رفع شود.

رئیس - مخالفی دارد که يك رأی هم بقابل توجه بودن گرفته شود؟

افسر - بنده مخالفم

رئیس - بفرمائید

افسر - عرض کنم کدام يك از آقایان این نظر را

دارند؟ بفرمایند اگر این لایحه را قابل توجه نمیدانستند چطور بفوریتش رأی دادند؟ اینم مطلب مسلم است و محتاج بتوضیح نیست بنده عقیده ام این است که همان رأی بفوریت کافی است و قابل توجه بودنش مسلم است و بی ربط وقت مجلس را تلف میکنیم

رئیس - معلوم میشود که اکثریت قریب به اتفاق باین هستند که باید يك رأی دیگر گرفته شود (جمعی از نمایندگان - صحیح است) آقابانیکه این تبصره را قابل توجه میدانند قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه شد. من بعد وقتی که همچو مسائلی مطرح شود اول بقابل توجه بودنش رأی می گیریم بعد بفوریتش.

آقا سید یعقوب - این هم جزو نظامنامه شود که من بعد اسباب اشتباه نشود

رئیس - لایحه راجع به اضافات پست و تلگراف مطرح است پیشنهاد آقای فهیمی

(بنحو ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم که سطر آخر لایحه بترتیب ذیل نوشته شود:

تصویب شده است در دوره عمل ۱۳۰۶ نیز در بودجه وزارتخانه های مربوطه منظور گردیده و بمصرف رسد
رئیس - این پیشنهاد را مسترد گردید؟
فهیمی - بله

(پیشنهاد آقای فهیمی بشرح ذیل خوانده شد)

ماده اول را بطریق ذیل پیشنهاد میکنم:

ماده اول - مجلس شورای ملی اجازه میدهد اعتباراتی که برای مخارج غیر ثابت وزارتخانه ها بابت بودجه اضافی ۱۳۰۵ وزارتخانه ها در ضمن قوانین اعتبارات اضافی بشرح ذیل تصویب شده جزو اعتبارات ۱۳۰۶ منظور تعهد و پرداخت آن بر طبق قانون محاسبات عمومی صورت

گیرد. هر قلم یا مبلغ از این اعتبارات در موعد مقرر قانونی ۱۳۰۶ تعهد و یا پرداخت نگردد مطابق ماده ۴ و ۵ قانون محاسبات عمومی به بودجه ۱۳۰۷ مملکتی انتقال داده شود که بمصرف مخارج مصوبه برسد

رئیس - آقای فهیمی

فهیمی - غرض از اشکالی که برای اینجانبه پیش آمد این بود که چون حالا نزدیک به آخر سال است و ممکن است اعتبارات مصوبه در موقع پرداخت نشود و درسیصد و هفت اسباب اشکال بشود بند، با مراجعه بمواد قانون محاسبات عمومی اشکالی در این امر نمیدبدم اگر تصریح شود که این اعتبارات در دوره عمل ۱۳۰۶ منظور شود چون سنه مالی شروع میشود از اول هر سال تا آخر سال یعنی دوازده ماه ولی دوره عمل متمم معاملات سنه مالی است که تا آخر سنه بعد باشد یعنی دو سال چنانچه قانون محاسبات عمومی هم تصریح میکنند که تا سه ماه از سال بعد میتوانند اعتبارات بودجه مصوبه سال قبل را تشخیص کنند و تا آخر سال بعد میتوانند بپردازند و هر گاه در موقع مقرر اعتبارات مصوبه تشخیص با حواله یا پرداخت نشد میتواند آنها را بدوره عمل سنه بعد انتقال بدهند بدون اینکه بحقوق ثابت دائمی دولت خللی وارد بیاید چون این مسائل در عمل غیر روشن است و اشکالاتی پیش می آورد بنده لازم دانستم که تصریح شود که اولاً آنچه اعتبارات اضافی در بودجه ۱۳۰۵ داده شده است در بودجه ۳۰۶ هم منظور شود آنچه را که مصرف کرده اند هیچ و هر چه از آنها که در موارد مقرر تشخیص و حواله نشد مطابق مواد چهار و پنج قانون محاسبات عمومی آنها را را بدوره عمل سال بعد انتقال بدهند و بمصرف برسانند که دیگر اشکالی برای وزارتخانهها در عمل پیش نیاید مرضی قلیخان بیات - يك مرتبه دیگر قرائت شود (پیشنهاد مزبور مجدداً بشرح سابق خوانده شد) مخبر - نظر با اینکه اشکالاتی که در جلسه گذشته

بوده تمام در اطراف قانون محاسبات عمومی بود بنابر این آقای وزیر مالیه و متخصصینی که در وزارت مالیه هستند مخصوصاً برای تشخیص قوانین و تطبیق آن با قانون محاسبات عمومی مشورت شد و این ماده با ذکر تمام موارد قانون محاسبات عمومی نوشته شده است و بعد هم آقای فهیمی پیشنهاد کرده اند بنده قبول میکنم

آقا سید یعقوب - ما اعضاء کمیسیون مخالفیم

رئیس - آقای روحی که عضو کمیسیون نیستند آقای

عراقی

عراقی - عرضی ندارم

رئیس - آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده کاملاً مخالفم پیشنهادی هم کرده ام که خدمت اعضاء محترم کمیسیون بودجه قدیم تقدیم داشته ام و توجه آقایان را هم به او جلب کردم بعد خدمت آقای مخبر هم عرض کردم ایشان هم اول تا اندازه با بنده موافقت کردند ولی بعد آقای فهیمی آمدند این جا مذاکره کردن بنده فهمیدم چه شد حالا اصل موضوع را عرض آقایان میرسانم پنج شش وزارتخانه لایحه اضافی آوردند وزارت امور خارجه لایحه اضافی آورد. وزارت فواید عامه لایحه اضافی آورد. وزارت داخله لایحه اضافی آورد. پست و تلگراف لایحه اضافی آورد وزارت معارف هم لایحه اضافی آورد و در این لوائح اضافی اقلامی بود ...

زعیم - آنها را بفرمائید

آقا سید یعقوب - بنده عالم السرو الخفیة نیستم جنابعالی هم وکیلید اقلام را نگاه کنید يك اقلامی در آنجا بود بعضی راجع بحقوق بود بعضی راجع بيك مخارج غیر ثابت بود بعضی راجع بيك بنائیهائی بود که اگر حالاندر ۳۰۷ و ۳۰۸ بشود بيك قلمی که قابل توجه اعضاء کمیسیون بود مسئله سیم کشی بود که سالی صد و هشتاد هزار تومان مجلس در آن لایحه اضافی اعتبار داد به پست و تلگراف که سیم کشی کند و چون مسئله سیم کشی کاملاً قابل توجه و ملاحظه بود برای

این مملکت مثل شرائین بود که مرکز را اتصال میدهد بنام نقطه در سمت شمال و جنوب و مشرق و مغرب و همچنین نسبت به ترکیه و روسیه. يك تأسیسات بود که حقیقه برای مجلس شورای ملی و مشروطیت خیلی زیبنده بود که ما الحمدلله در بودجه مان این کار را کردیم. حقیقه و بل لمن ساوی یوماه ما نباید سال بسال همان بودجه ارتزاق را بگذرانیم يك نقطه درخشنده ما این است که برای سیم کشی صد و هشتاد هزار تومان بگذرانیم ولی این يك کله را که ما گفتیم آنوقت یکمرتبه خانه در محرمه خراب شد خانه در سیستان خراب شد. خانه در آستارا خراب شده ده ده بيك قلم هائی در اینجا جمع کردند بنده نمیدانم چه شد وزراء مسؤولیت مشترک دارند همان طور که نسبت به سیم کشی موافقت می کردند یا آن جا هم موافقت می کردند نهایت آن عملیات صرفه جوئی که در محاسبات است و من خیلی بهش معتقدم جلوگیری کرده است حالا میخواهند همان هارا برگردانند بيك قلمی بعنوان که ما سیم کشی را میخواهیم تقویت کنیم بنده عرض میکنم سنه مالی تمام شد سنه ۳۰۵ تمام شد داخل در سیصد و شش شدیم آن اعتباراتی که در سنه ۳۰۶ تمام نسبت به سیم کشی که يك قدم اساسی است و جلب توجه همه ماها را کرده است پول آنها را میدهیم بنده بیش از بيك رأی نمیتوانم بدهم ولی حاضریم در این جا سه رأی بدهم برای اینکه مسئله سیم کشی بيك تشکیلات جدیدی است اما بيك بنا هائی که هنوز شما نکرده اید بعد هم شاید بيك بدئی حاصل شود این چه سابقه است و چه ترتیب است؟ که بودجه سیصد و پنج را در سیصد و شش و سیصد و شش را در سیصد و هفت و سیصد و هفت را در سیصد و هشت قرار بدهیم آقای فهیم الملک وزیر مالیه بوده اند میفرمایند این چون در سیصد و پنج تمام نشده در سیصد و شش قرار میدهیم اگر در سیصد و شش تمام نشد در سیصد و هفت و بالاخره اگر خدا عمرمان بدهد تا آخر سالی که حکومت مشروطه

بر پا است! پس مجلس چه چیز است؟ مجلس باید متوجه باشد که سال بسال بودجه را مطابق دیوان محاسبات بگذرانند مخصوصاً مجلس شورای ملی ایران در کمیسیون بودجه دارد. بودجه قدیم است و بودجه جدید کمیسیون بودجه جدید هم تشکیل شده است و وزراء هم حاضر شوند بیایند بودجه هارا بگذرانند لواطی که محتاج لیهشان است بگذرانند لازم نکرده که وزراء بنشینند تصویب نامه بر خلاف قوانین بگذرانند این لواطی که طرف احتیاجشان است بگذرانند چرا من بیایم رای ضمنی و مساعده بدهم که در سیصد و هفت هم اگر اعتباری دارند از این جا منتقل به آنجا شود بنده سیم کشی را که دولت و وزیر فعال ما شروع کرده است بهش رای میدهم و اگر يك حرج لازم دیگری دارند آقای وزیر داخله آقای وزیر مالیه آقای وزیر خارجه لواطشان را بیاورند کمیسیون بودجه هم تشکیل شده و فوراً در بودجه ۱۳۰۷ بگذرانند و دیگر اعتبار آوردن و بودجه سیصد و هفت را دنبالش آوردن بنده جداً مخالفم

وزیر پست و تلگراف - آقا بهتر میدانید که این قانون اضافات امسال گذشته و مخصوصاً در اردی بهشت امسال بود و راجع باین مسائلی که آقا فرمودند در جزئیاتش یکی یکی این جا بحث شده و لزوم آن را مجلس در نظر گرفته و تصویب کرده است منتها بيك مبلغ آن را وزارت مالیه پرداخته و بقیه اش را بعنوان اینکه میگوید دوره مالی خانم پیدا کرده نمیتواند بپردازد و مادر این جا امروز میخواهیم این اشکال اداری را رفع کنیم آقا اینطور فرمودند که ما در این جا ضمناً می خواهیم بيك اعتباراتی بگیریم. اینطور نیست بنده چند فقره از آنها را میخواهم ملاحظه بفرمائید اگر لزوم دارد تصویب کنید اگر ندارد که هیچ مثلاً صدوسی و پنجاه هزار تومان در دو قلم اعتبار سیم کشی است بین طهران و روسیه بین طهران و سرحد ترکیه که دو خط همی را تشکیل میدهد دو هزار و سیصد و کسری سیم کشی کابل است بین

عبادان و محرمه و تصدیق میفرمائید که این مسئله یکی از مهمترین چیزهایی است که چند روز پیش از اینهم مذاکره شد یک فقره راجع به پنجهزار تومان تعمیرات گوشه میدان است که يك يكقسمت از عمارت وزارتخانه خراب شده که اگر چنانچه حالا شروع به تعمیر نکنیم میماند برای سال آیند آن وقت در باره باید بیائیم این جا و اجازه بگیریم و منتهی میشود به زمستان آن وقت فصل هم گذشته است و اگر بنائی نشود از بین میرود يك قلم دیگر از اعتبارات مال وزارت خارجه است که میخوانم ملاحظه فرمائید مثلاً دو هزار صد تومان برای تعمیر عمارت سفارت ایران در لندن است يك خانه کرایه کرده اند برای مدت دوازده یا سیزده سال بشرط اینکه تعمیرش را خودمان کنیم لان يك سال است همه روزه از سفارت تلگراف میکنند که این خانه محتاج تعمیر است و باید تعمیر شود در اینجا امروز شما که میخواهید رای بدهید راجع يك مخارج باقی نیست يك مخارج غیر ثابتی است از قبیل سیم کشی و غیر اینها که اگر امروز رای بدهید مقدماتش فراهم میشود و در سال آتی در فصل و موقع خودش انجام میشود و اگر امروز رای ندهید میماند برای زمستان دیگر و زمین میماند بنده عقیده ام این است که آن پیشنهادی که آقای فهمی این جا دادند با توافق نظرو وزارت مالیه و تطبیق با قانون محاسبات عمومی این پیشنهاد را تنظیم کردند هیچ فرق نمیکند که امروز شماری بدهید یا پس فردا که ما بودجه را بیآوریم اینجا و در جزئیات این هم کاملاً مباحثه شده است و رای هم داده اند و این يك تجدید رایی است و بنده کاملاً با آن پیشنهاد موافق این است که استدعا میکنم آقایان اجازه بدهند که ما از امروز شروع بکار بکنیم و مقدماتش را تهیه کنیم که در موقع فصل خودش این کار تمام شود

رئیس - پیشنهاد را آقای مخبر قبول کردند می باید

رای بگیریم عجله پیشنهاد های دیگر قرائت میشود

(مضمون ذیل خوانده شد)

پیشنهاد آقای شریعت زاده

اصلاح ماده اول - دولت مجاز است اعتباراتی را که برای مخارج غیر ثابت وزارتخانهها در سنه ۱۳۰۵ در ضمن قوانین اعتبارات اضافی سنه ۱۳۰۵ تصویب شده تا آخر سنه مالی ۱۳۰۶ در حدود قانون محاسبات عمومی بمصرف رسانیده و در بودجه ۱۳۰۶ وزارتخانههای مربوطه منظور نماید

رئیس - آقای شریعت زاده

شریعت زاده - علت اینکه بنده این پیشنهاد را تقدیم کردم فقط از این نقطه نظر است که خواستم توضیحات راجع به عدم لزوم مباحثه طولانی در این باب بدهم اساساً مطلب این است که يك مخارجی است که در ۱۳۰۵ تصویب شده و الان برای آن مخارج از طرف دولت پیشنهادی شده است و تقاضای اجازه کرده است که آن کارهایی که پیش بینی شده بود و میبایستی آنها را تمام کند انجام دهد البته ما در مملکت يك قانون محاسبات عمومی داریم که تمام تسهیلات لازمه را برای دولت در آن قانون منظور داشته است مثلاً تعهداتی که دولت میتواند بکند تا سه ماه بعد از انقضاء سال هم میتواند بکند و بعد از آن که تعهد شد تا آخر سال بدهم میتواند پرداخت کند بنا بر این بنظر بنده دولت وقتی پیش بینی کرده است که يك مخارجی را امروز میتواند تعهد کند و تا آخر سال ۱۳۰۷ هم بموجب قانون محاسبات میتواند این تعهد را اجرا کند یعنی پرداخت نماید پس این مباحثاتی که میشود بنظر بنده غیر لازم است زیرا اگر يك فکری هم باشد که آن فکر دلالت بر لزوم تصویب خرجی که در قانون محاسبات عمومی پیش بینی شده باشد بکند نباید مخالفت کرد و برای صرف وجوه متعلقه به مملکت برای رفع حوائج يك اصولی داریم که باید آن را حفظ کنیم مگر يك مسائل فوق العاده پیش بیاید که مجلس استثناء اجازه بدهد و تصور نمیکند دولت هم همچو نظری داشته باشد

وقتی بنا شد دولت امروز بتواند آن مخارج را تعهد بکند و تا آخر سنه ۳۰۷ هم بموجب قانون محاسبات عمومی بتواند این مخارج را بکند دیگر نگرانی ها باید مرتفع شود و اشکالی ندارد این است که از آقای وزیر تقاضا میکنم که متوجه باشند باین که احتیاجاتی که دارند بموجب این تصویب مرتفع شود که از حالا تا سه ماه بعد از انقضاء سال تعهد را تشخیص کنند و این تعهد را تا آخر سال ۱۳۰۷ اجرا کنند بنا بر این هیچ نگرانی نیست و البته قسمتی که مربوط است بمنظور داشتن در بودجه ۳۰۶ عرض میکنم که البته لازم است که بالاخره وزارت پست و تلگراف بودجه عمومی داشته باشد برای مخارج و اینهم در جزء آن بودجه باید بیاید و اشکالی ندارد

رئیس - آقای یسائی

یسائی - بنده هر چه دقت کردم يك تفاوت بینی مابین پیشنهاد بنده و آقای شریعت زاده و آقای فهمی معلوم نشد و بالاخره همان پیشنهادی است که آقای فهمی کردند و آقای مخبر هم قبول کردند و مقصود هم اینست که بقیه اضافاتی که در ۱۳۰۵ تصویب شده است دولت میتواند آنرا در ۱۳۰۶ بمصرف برساند.

مخبر - متأسفانه بطور جریان امور وزارت مالیه مخصوصاً محاسبات طوری است که وقت مجلس را تلف میکنند بکمر تبه يك قانونی مجلس وضع میکنند و بواسطه بطور جریان می ماند باینجهت محتاج میشوند که در موقع دیگری تقاضای اجازه مجددی بنمایند و در هر صورت چون مفاد پیشنهاد آقای شریعت زاده با آقای فهمی یکی است بنده گمان میکنم موردی ندارد این است که بنده خواهش میکنم ایشان هم موافقت فرمایند با پیشنهاد آقای فهمی که این مسئله تمام شود

رئیس - آقایان که پیشنهاد آقای شریعت زاده را تصویب میکنند قیام فرمایند

(عده قلبی قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد . پیشنهاد آقای یسائی

(بنحو ذیل قرائت شد)

ماده اول را بترتیب ذیل پیشنهاد میبام

ماده اول - مجلس شورای ملی اجازه میدهد اعتباراتی را که برای مخارج غیر ثابت وزارتخانهها در سنه ۱۳۰۵ در ضمن قوانین اعتبارات اضافی سنه ۱۳۰۵ تصویب شده تا آخر سنه مالی ۱۳۰۶ برای مصارف معین در آن قوانین بپردازد

رئیس - بفرمائید

مرضی قلیخان بیات - عرض کنم بنظر بنده يك لایحه اضافه بودجه برای ۱۳۰۵ آمد و مجلس هم تصویب کرد عجلتاً اشکالی را که آقایان میگویند پیدا شده این است که میگویند چون سنه مالی گذشته لهذا وزارت مالیه از پرداخت آن خود داری میکند بنا بر این چون ما مقصودمان این است که ان پول يك دفعه برای این مخارج به جزئیات پرداخته شود این است که بنده پیشنهاد کردم آن اجزائی را که داده شده و آن اضافاتی را که تصویب کرده ایم در سنه مالی ۱۳۰۶ وزارت مالیه آن وجوه را بپردازد و دیگر دو مرتبه محتاج باین نیست که ما این قلم را بیچ در بیچ کنیم که دو مرتبه در بودجه ۱۳۰۶ و ۱۳۰۷ بیاید و کجا برود و برگردد . يك دفعه ما تصویب کردیم مخارجی را در سنه مالی گذشته وزارت مالیه پرداخته حالا پیشنهاد میکنیم که در سنه مالی آن مصارفی را که تصویب کرده بودیم برای سنه قبل وزارت مالیه بپردازد و این خیلی ساده است و اشکالی ندارد دولت اختیار پیدا میکند که پول را بگیرد و برای ۳۰۶ مصرف کنند

رئیس - عین پیشنهاد آقای شریعت زاده است

مرضی قلیخان بیات - با او تفاوت دارد اجازه میفرمائید آقای شریعت زاده نوشته اند در بودجه ۳۰۶ هم منظور شود بنده این قسمت را برداشته ام

رئیس - آقای بامداد

بامداد - بنده اولاً حق میدهم بمقام ریاست که با پیشنهاد آقای شریعت زاده که فرقی ندارد و معنأ هیچ

تفاوتی ندارد بلکه با پیشنهاد خود دولت هم فرق ندارد نظر مجلس به لفظ نیست قانون مبهم پیشنهادها هم مبهم نظر مجلس این است که بک مخارج مهمی را که در نظر دارد رأی بدهد و آن مسئله سیم کشی است ولی تصریح هیچ نشده و در خارج ما تطبیق می کنیم این ابهام را با یکی از مصادیقش که سیم کشی است میگوئیم این سیم کشی حاضر است اما اضافات دولت منحصر همین نیست یک چیزهای دیگر هم هست میگویند هر چه از این اضافات تصویب شده و مانده دولت مکلف است آنها را در ۳۰۶ بپردازد. ما میگوئیم خیر آقا ممکن نیست مخارجش باشد که وقتش گذشته باشد و حالا هم دولت بپردازد؟ در بودجه شما یک قلم مهمش صرفه جوئی است که حق می توانیم بگوئیم در قسمت عایدات یک قلم مهمش صرفه جوئی است آخر این صرفه جوئی یک وقتی باید مصادق پیدا کند؟ این صرفه جوئی می رود در خزانه شما که شما آن را اختصاص داده اید به بانک ما میگوئیم تصویب کردیم قبول ولی ممکن است یک قلابی باشد که به درد نخورد پس حالا آنها را بگذارید صرفه جوئی بشود. پیشنهاد حضرتعالی هم عین همان ماده است عقیده بنده این است چنانچه پیشنهاد هم کرده ام قلم سیم کشی را رأی بدهیم باقی را اگر احتیاج دارند لایحه اش را بیاورند و ما در لزوم و عدم لزومش صحبت میکنیم و بعد رأی میدهم

بیات - بنده مسترد میکنم

رئیس - پیشنهاد آقای عمادی

(بمضمون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم که در ماده اول بعد از جمله تا آخر سنه ۱۳۰۶ نوشته شود برای سیم کشی در وزارت پست و تلگراف بمصرف برسد و در بودجه ۱۳۰۶ آن وزارتخانه منظور گردد.

رئیس - آقای عمادی

عمادی - عرض کنم یک قسمت عرایضی که بنده در

این پیشنهاد داشتم آقای آقا سید یعقوب و آقای بامداد فرمودند بنده نمیدانم اصلاً این لایحه بجهل روی چه اصلی پیشنهاد شده. اساساً هر روزارخانه مکلف است اضافه خرج خودش را بیاورد و آقایان نمایندگان حسب الوظیفه اگر دیدند بمصرف صرف میشود رأی میدهند و الا خیر. بلی ضرورت مسئله سیم کشی را تمام آقایان تصدیق دارند ولی این لایحه بجهل مبهم نمیدانم روی چه اصلی است. این است که بنده پیشنهاد کردم نسبت به این قسمت از ماده اول که همه تصدیق دارند رأی گرفته شود و اگر سایر وزراء هم اضافه لازم دارند بیاوند دلیل و مجوز خودشان را بگویند آنوقت رأی داده شود

رئیس - آقای باسائی

باسائی - آقای عمادی را بنده توجه میدهم باینکه اضافاتی که ما تصویب کردیم تنها برای سیم کشی نبود هر وزارتخانه احتیاج داشت بیک اضافاتی و آمد و مدلل کرد. مجلس هم رأی داد. منتها چون تصویب آنها در اول ۱۳۰۶ و اگر نظر آن باشد در دو ماه سه ماه اول سال و اوقاتی بود که سنه مالی ۱۳۰۵ منقضی میشد وزارتخانه ها غالباً نتوانستند استفاده کنند تنها سیم کشی نیست. وزارت معارف از نقطه نظر تعمیرات یک احتیاجاتی داشت تقاضا کرد مجلس هم تصویب کرد ولی در موقعش خرج نشده است. شما الان بروید ببینید سقف اطاقهای دارالفنون آمده است پائین و باید تعمیر کرد. در مدرسه شرف مظفری شاگرد دارد در اطاق مرطوب زندگانی میکند. این اضافات که تصویب شده است بابت حقوق اضافی اشخاص که نیست. بابت مخارج ثابت که نیست برای یک مخارج غیر ثابت لازمی است من جمله از مخارجی که دولت میخواهد بکند مخارج تعمیر عمارت وزیر مختار شماست در لندن. وزیر مختار شما در لندن عمارتی را کرایه است و تعهد کرده است تعمیراتش را دولت ایران بکند. مدنی است گذشته عمارت مخروبه شده. شما میل دارید فردا قیمت تمام عمارت

را از شما بخواهند؟ بالاخره مطابق تعهد وزیر مختار ما این عمارت باید تعمیر شود و تاخیرش بیشتر اسباب زیان و ضرر است. اینیه ادارات حکومتی که مال دولت است و مال ملک است در غالب نقاط دیده اید بجهل مخروبهگی است. باید تعمیر کرد این ها تصویب شده است. فقط دولت اجازه می خواهد که در ۱۳۰۶ از آنها استفاده کند. من نمیدانم این مذاکراتیکه میشود روی چه نقطه نظری است اگر دولت احتیاج نداشت که تقاضا نمیکرد. اگر تقاضای دولت این بود که بابت حقوق داده شود بنده هم موافقت نداشتم ولی نوشته شده مخارج غیر ثابت. مربوط به حقوق اشخاص نیست. خواهش میکنم آقا هم پیشنهاد خود را استرداد فرمایند

عمادی - بنده استدعا میکنم پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب را هم بخوانند چون نزدیک مهم است (پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده اول را این نوع پیشنهاد میکنم

ماده اول - مجلس شورای ملی بوزارت مالیه اجازه میدهد کلیه مبلغی که برای مخارج سیم کشی در لایحه اضافات وزارت پست و تلگراف از تصویب مجلس گذشته تا آخر سنه مالی ۱۳۰۶ بوزارت پست و تلگراف بپردازد

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - اولاً یک مسئله را آقای وزیر پست و تلگراف فرمودند بنده ناچارم اول جواب فرمایش ایشان را عرض کنم. بنده سه دوره است در مجلس شورای ملی هستم شش مرتبه رأی داده ام بمحقوق وزیر پست و تلگراف دفعه دوم هم که آوردند بگوئیم همان سال اول که رأی دادم کفایت میکند این همان مقصد و پنجاه تومان است؟ مجلس شورای ملی هر سال باید بودجه وزارت خانها را، مخارج مملکتی را، مخارج مؤسسات را در تحت نظر بگذراند. وقتی سالت تمام شد دو مرتبه باید

بیاورد این ماده پنجم قانون محاسبات عمومی است که آقای فهیمی در دوره دوم هم مخیرش بودند (اعتباراتی که کل یا جزء آن تا روز آخر سنه مالیه موقع و خرج پیدا نکرده باشد از بودجه برگشت خواهد کرد) عرض بنده هم همین است. میگویم آقا موقع خرج پیدا نکرده است. آقای باسائی وارد میشوند در یک شکوائی که اگر نشد دیوار لندمان خراب میشود یا خانه پترز بورغان خراب میشود. بنده عرض میکنم وزرای ما که محل اعتماد اکثریت مجلس هستند متوجه مخارج ضروری هستند خود وزارت مالیه اگر مخارج را در آن موقع لزومش را که ما رأی دادیم لازم میدانست ملاحظه صرفه جوئی را نمکرد. معذک بنده عرض کردم حاضر هستم آقایان وزراء بروند در هیئتشان بنشینند لوایح اضافی نسبت به ۱۳۰۷ را بردارند بیاورند ولی در اینجا باید برگشت کنند. این ماده است که حفظ میکنند حقوق خزانه مملکت را که در سنه مالی اگر خرج نشد برگشت میکنند و باید دوباره بیاورد. اگر ما بان عبارتهای مبهم غیر محقق بیائیم متزلزل کنیم ماده ۵ قانون محاسبات خودمان را بکلی خزانه ما از دست در میرود بکلی اعتبارات صرفه جوئی از بین میرود. این کلیاتی که شما فرمودید بنده عرض نکردم مخلفش هستم بنده عرض میکنم مطابق ماده ۵ قانون محاسبات چون خرج نشده است برگشت میکنند کمیسیون بودجه جدید هم ما داریم لایحه اش را میآورند و در بودجه جدید میگذرانند ولی فعلاً نسبت به سیم کشی ما این اعتبار را میدهم بنده صریح و واضح حفظ این ماده را کردم دیگر دارالفنون خراب شده است و شرف مظفری خراب شده است چطور شده که اینها از دیشب تا حالا پیدا شده؟ برروز نبوده است. یک مرتبه یک سیل عظیم آمده است که اگر این ماده نگذرد این سیل عظیم زیر و زبر میکند اساس ملیت ما را! این سیم کشی را ما اینطور میگذرانیم بعد اگر لوایحی دارند بیاورند

مخبر - عرض کنم وقتی که دولتمات يك قدری ماشاء الله در بعضی قضایا کو ناهسی می کنند بعد می بینید که اگر يك ماده قانونی نیارند نمیتواند آن کار را بکنند آن وقت دو بدست آقای آقا سید یعقوب میدهند که اینجا رفقای خودشان را هم هو کنند اولاً این ماده که پیشنهاد شده بود مخصوصاً ماده ایست که خودتان آن کسی که بهش مرید هستید در وزارت مالیه تمام جزئیات قانون محاسبات عمومی را در نظر گرفته و موادش را هم اسم برده و این فکر را آقای فهیمی در جلسه گذشته داشتند که باید مطابق محاسبات عمومی باشد. حالا که قانون محاسبات عمومی را ما رعایت کردیم و موادش را ذکر کرده اینجا گفته میشود که بعضی اقلام است که ما نمیتوانیم پیش کنیم در صورتیکه اگر ما بخودمان زحمت میدادیم همان لایحه را خودمان رأی دادیم میخواندیم میدانستیم چه چیز است است بنده الان اینجا بنظر آمد که اگر دو سه دقیقه زحمت بکشیم این اقلام را آقایان خواهند دانست چه چیز است. بنده از لایحه قدیمی آن اقلام را زدم بیرون قرائت میشود و آقایان میبینند چه چیز است آنوقت اگر میل دارند رأی بدهند اگر میل ندارند رأی ندهند و این اقلام را استدعا میکنیم بخوانند

رئیس - آقایانیکه پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب را

قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه شد بر میگردد بکمسیون . خیر

کمسیون بودجه راجع بمخارج انتخابات مطرح است

(ماده واحده خبر کمسیون بشرح ذیل قرائت شد)

ماده واحده - وزارت مالیه مجاز است مبلغ یکصد و

پنجاه هزار تومان از عایدات هذلسنه ۱۳۰۶ برای

مخارج انتخابات دوره هفتم تقنینیه به وزارت داخله

کارسازی دارد .

تبصره وزارت مالیه مجاز است مبلغ سی هزار تومان

بابت کسر مخارج انتخابات دوره ششم تقنینیه را علاوه

برمبلغ فوق نادیه نماید

رئیس - آقای روحی

روحی - بنده با این لایحه در يك قسمت مخالفم و آن راجع به خرج سفر مراجعت آقایان نمایندگان است در قسمت اول که نماینده از محل میاید بنده موافقم که باو باید خرج سفر داد چون تکلیف او معلوم نیست که اعتبار نامه اش میگذرد یا نمیگذرد و کیل هست یا نیست راهی آمده بولی هم نگرفته باید خرج سفر بگیرد. ولی در رحله مراجعت بنده قویاً مخالفم امروز دورترین راهها در این مملکت راه کرمان است دو بیست و چندین فرسخ راه است تا اینجا اتومبیل بیست و پنج تومان سی تومان میگیرد آن سی تومان را از آن سیصد تومان ماه آخر که حقوق میگیرد میدهد این قسمت خرج بدهوده است که بنده عرض مخالفم و پیشنهاد هم میکنم که این قسمت از مخارج حذف شود یا آن سی تومان را که میخواهند بدهند به آقایان نمایندگان دولت در يك محل بهتری خرج کنند که حقیقه برای مملکت مفید باشد مخبر - این سی تومان را که می خواهند بجزانته دولت صرفه رسانند اگر جزو قانون انتخابات نبود بنده هم قبول میگردم ولی چون در جزو قانون انتخابات است نمیشود قبول کرد

رئیس - آقای بامداد

بامداد - بنده هم موافقم با اظهارات آقای روحی در قانون انتخابات البته هست ولی يك نظر مجملی است که همیشه ممکن است ما بین نمایندگان و مالیه اختلاف نظر پیدا شود میگوید مخارج در حدود نظامنامه ایاباً و ذهاباً مالیه گاهی تفسیر میکند که این مبلغ مال هر دو است. آن کسی که می خواهد بگیرد میگوید حق قانونی خود را باید بگیرم ایاباً يك پول باید بگیرم ذهاباً يك پول و برای اینکه يك تفسیری بشود که دفع این اجمال هم بشود و برای اینکه ما يك ضرری هم بجزانته مملکت نزنیم. بنده عقیده ام این است که فرضاً

هم ایاباً و ذهاباً دو پول باید گرفت ما اینجا تفسیرش کنیم که يك پول بیشتر نگیرند. وقتی که در حوزة مأموریت بیابند حق خرج سفر داشته باشند از جهت اینکه شاید پول نداشته باشند ولی در موقع مراجعت البته دو سال حقوق گرفته اند پول هم دارند و بقول آقای روحی با همین پولی که در ماه آخر گرفته اند برگردند بنا بر این با این قسمت بنده مخالفم. يك قسمت هم راجع به تبصره است که در کمسیون تذکره دادم و آن اینست که يك اشخاصی مطالبه طلب میکنند از باب بقایای انتخابات دوره ششم بنده از يك قسمت آن اطلاع دارم که هیچ واقعیت ندارد حالا بنده البته موافقت نمیکنم که این تبصره حذف شود و شاید اشخاصی هستند که طلب حقی هم دارند ولی این را تذکر میدهم که آقایان وزراء هم بدانند (اگر چه وزیر مالیه نیستند) که این سی هزار تومان صرف طلب حق نیست که عده از باب انتخابات دووه ششم دارند

رئیس - آقای دادگر

دادگر - عرضی که بنده میخوانم بکنم گفته شد در انتخابات ما بيك اشکالی بر خوردیم که اینجا ضرور است هم آقای مخبر هم آقای وزیر داخله این اشکال را در آتیه حفظ و صیانت کنند و آن این است که انتخابات يك خرج بدوی دارد ولی گاهی انتخابات يك حوزة هائی (اگر چه نباید بماند) ولی اتفاقاً میماند با و کیلی مستعفی میشود بجایش انتخاب میشود با و کیلی فوت میکنند بجایش انتخاب میکنند و از سال بودجه ای میگذرد. آنوقت دیگر وزارت مالیه پول نمیدهد. میگوید که مدت پرداخت این اعتبار تا یکسال معهود بوده است و از یکسال تجاوز کرده است. بنده اطلاع دارم که وزارت مالیه مخارج انتخابات حوزه های تجدید شده را نمیپردازد و میگوید از سالتی گذشته در صورتیکه بعقیده بنده این اعتبار برای يك دوره انتخابیه است و باید بجای خودش محفوظ باشد و اگر این مسئله در پیش آقای مخبر و آقای وزیر داخله معهود است و وزارت مالیه تولید

اشکال در آینده نمیکنند بفرمائید و اگر نیست بالاخره ما يك تبصره اضافه کنیم که این مسئله در آینده حل شود.

وزیر داخله - بنده کاملاً با اظهار آقای نماینده محترم موافقم برای اینکه محل ابتلاء وزارت داخله است اگر لازم میدانند همین نظریات را پیشنهاد بفرمایند بنده هم موافقت میکنم

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

دکتر مصدق - بنده مخالفم

رئیس - آقای دکتر مصدق

دکتر مصدق - بنده در این لایحه يك نظریاتی دارم اجازه بفرمائید نظریاتم را عرض کنم بعد کافی شود.

رئیس - رأی گرفته میشود بکفایت مذاکرات آقایانیکه موافقت قیام فرمایند

(عده قلبی قیام نمودند)

رئیس - معلوم میشود کافی نیست. آقای کازرون

کازرونی - لایحه را که دولت پیشنهاد کرده بنده می بینم سی هزار تومان هم در کمسیون بودجه ضمیمه اش شده و گفته شد که وزارت مالیه هم موافقت کرده در کمسیون بودجه راجع باین سی هزار تومان. بنده کان میکنم این مسئله خلاف واقع باشد چون هر لایحه که دولت میخواند مجلس بدهد باید در مجلس عمومی تقدیم شود و از مجرای مجلس بکمسیون ها ارجاع شود و از کمسیونها بیاید مجلس. اگر بنا بشود وزراء یا دولت همچو اختیاری داشته باشند و همچنین اعضاء کمسیون بودجه که پیشنهادات دولت را راجع باز دیاد خرج در کمسیون بپذیرند بنده گمان می کنم که بعد از این تولید اشکالاتی میشود. بنا بر این بنده عقیده ام این است که بایستی بهمان ۱۳۰۵ هزار تومان رأی گرفته شود لکن راجع بان قسمتی که آقای روحی و بعضی آقایان دیگر فرمودند در خصوص مخارج ایاب و ذهاب و تفسیر آن بنده عرض میکنم این خارج از موضوع

این لایحه است اگر چنانچه آقایان راجع باین قسمت نظری دارند ممکن است يك طرحی را پیشنهاد بکنند که ناسخ قانون سابق باشد ولی این لایحه مربوط بان قضایا نیست و در اینجا ابدا مورد ندارد.

مخبر - پرروز هم گویا آقای کازرونی راجع بیک همچو لایحه که کمیسیون پیشنهاد کرده بود اظهاری فرمودند و بنده جوابشان را عرض کردم که اگر چنانچه نظر دولت جلب شود مانعی ندارد مخصوصاً این سی هزار تومان در جزو بودجه کل مملکتی با ارسال تقدیم مجلس شورای ملی شده و ناچاراً چون از کمیسیون بودجه بمجلس نیامده مانده است و از ذیل بودجه کل مملکتی ما به این جا انتقال دادیم و در ضمن این لایحه تقدیم مجلس کردیم.

رئیس - آقای فیروزآبادی

فیروزآبادی - بنده به آقای دکتر مصدق واگذار می کنم.

رئیس - آقای دکتر مصدق

دکتر مصدق - بنده باین اعتبار از دو نظر مخالفم اول اینکه اگر آزادی انتخابات جزو حقوق مجلس و مجلسیان نیست و صلاح هم این است که نباشد تصویب این اعتبار مورد ندارد. انتخابات غیر آزاد مستلزم مخارجی نیست مأمورین دولتی بهرکس که مایلند میتوانند اعتبار نامه داده او را بسمت نمایندگی روانه مجلس نمایند ...

(همهمه نمایندگان - صدای زنگ)

دکتر مصدق - اجازه فرمائید اگر عرض کردم قضیه شرطیه است. دویم اینکه هرگاه دخالت دولت صلاح نیست تا از عدم مداخله مأمورین مطمئن نباشیم این اعتبار را نمیتوانیم تصویب نمائیم چه عیب دارد وقتی که مطمئن شدیم آقای وزیر داخله فرمایند اطمینان بدهند تصویب میکنیم این است که اول من عقیده خود را در آزادی انتخابات و بعد دخالت مأمورین دولتی را

در انتخابات عرض میکنم تا هر طور که مقتضی است مجلس شورای ملی که نظر اجراء قوانین و حافظ حقوق ملی است اقدام نماید. در اواخر دوره پنجم تقنینیه هم که لایحه مخارج انتخابات مطرح بود بنده بآن مخالفت نمودم در موقع تنفس یکی از نمایندگان بمن گفت که مخالفت شما هم برخلاف انتظار هم برخلاف صلاح مملکت بوده است زیرا اگر دولت ۱۳۶ نفر اشخاص تحصیل کرده و لایق مجرب بمجلس بفرستد بحال مملکت مفید تر است تا اینکه ملت يك اشخاص بی اطلاعی را انتخاب نماید

بنده در جواب گفتم که اگر دولت ۱۳۶ نفر از بهترین اشخاص انتخاب کند صلاح مملکت نیست زیرا این قبیل نمایندگان از روی يك اصل کلی که وکیل تابع موکل است صاحب يك رای میباشند در اینصورت لیاقت یا عدم لیاقتشان اثری در امور ندارد و هرگونه مخارجی که برای انتخابات میشود ضرر فاحشی است که بکسی ملت وارد میگردد. وقتی که نمایندگان معناً ذی رای نباشند مجلس فایده ندارد و چرخهای بطئی پارلمان باعث تأخیر امور میگردد و وقتی که حکومت ملی نیست چرا بین يك و دو کرور تومان در سال برای مخارج انتخابات و بودجه مجلس مردم فقیر تحمیل شود و همچنین چرا ملت برای کارهای بدی بدنام گردد. ملت بیچاره که از انتخاب وکیل بیخبر است ملت بدبخت که از حکومت ملی محروم است سزاوار نیست که مورد ملامت هم بشود. در مملکتی که مشروطه نیست اگر دولت خبطی کرد ملت میتواند تن در نهد ولی در مملکتی که مشروطه است اگر مجلس چیزی را تصویب نمود و ملت موافقت نکرد مخالفت ملت مثل کسی است که خط و مهر خود را انکار نماید. مخاطب در جواب گفت اینها بجای خود صحیح ولی خوب است که ما مطلب را نسبت باوضاع و وضعیات این مملکت حل کنیم هرگاه دولت در انتخابات مداخله نکرد با این قانون باز سر ملت بیگناه است زیرا بقول شما نه سواد شرط انتخاب نمودن و نه ایران مثل سایر ممالک است که بعد از مشروطه مدتها انتخاباتشان دودرجه

بوده است لذا متنفذین و ملاک در اشخاص بی سواد اعمال نفوذ می کنند و انتخابات را برطبق اراده خود انجام میبایند حوزه های انتخابیه بلوکات هم از حوزه های انتخابیه شهرها تفکیک و تجربه نیست که عقیده و آراء يك عده منور الفکر اهالی بلاد بواسطه مخلوط نشدن رای ساکنین دهات محفوظ بماند. من در جواب گفتم که هرگاه دولت به آزادی انتخابات معتقد باشد اصلاح قانون را هم خودش پیشنهاد می نماید و اگر نکرد با همین قانون هم ممکن است حکومتی نسبتاً ملی تشکیل داد فرض کنیم ملاک و متنفذین يك شهری چهار نفر وکیل ب مردم تحمیل نمایند چون نظر این اشخاص سیاست کمتر است شاید بهمین قناعت کنند که بواسطه نفوذ يك عده وکیل امور شخصی خود را منظم نمایند فرضاً که در سیاست هم مداخله کنند وقتی که هر چهار نفر وکیل را يك نفر انتخاب کرد نمایندگان مجلس شورای ملی صاحب سی نفر موکل و باز بحکومت شوروی نزدیکتر است هیچکس نمی تواند منکر شود که قواء فکری ما در عصر مشروطه ترقی نکرده است و کسی نمیگوید که پیشرفت ما بهمان نسبتی است که معارف ترقی نموده است اگر معارف سبب قسمتی از پیشرفت ما است علت قسمت مهم بنظر من آزادی اجتماعات و مطبوعات و انتخابات است که یکوقتی داشته ایم

حکم ملت که عبارت از اجتماع اشخاص است با حکم شخص واحد یکی است همان طوریکه شخص آزاد در نتیجه اعمال و افعال خویش صاحب تجربه میشود و هر قدر بیشتر بطور آزاد عمل کند بر تجربه و معلومات خود می افزاید همانطور هم آزادی انتخابات سبب میشود که انتخاب کنندگان و کلاء خود را به معرض آزمایش گذارده و درک کنند که برای نمایندگی چه اشخاص صلاحیت دارند این است نظریات من در آزادی و گمان نمی کنم که اشخاص بی غرض موافق نباشند

و اما در موضوع دخالت دولت مداخله مأمورین دولتی

انواع و اقسام دارد در بعضی نقاط مانع شده اند که مردم باشخص طرف اعتماد خود رای بدهند در محلهای دیگر امر داده اند که اشخاص ناشناس را انتخاب نمایند مأمورین همیشه دارای يك نظریه ثابتی نبوده و گاه بعد از اخذ آراء تردید رأی حاصل نموده اند لذا هیئت نظار هم مجبور شده اند که در موقع استخراج اوراق رای را باسم دیگری بخوانند بالاخره در بعضی نقاط که بواسطه آگاهی و احساسات عمومی موفقیت نداشته اند انتخابات مسکوت عنه مانده و تا کنون هم که باقضای دوره نزدیک است اهالی آن نقاط از داشتن نماینده در مجلس محرومند.

در حقیقت جای بسی تأسف است که هر وقت که در اعتبار نامه یکی از نمایندگان اعتراض شده اکثریت مجلس از قرائن خارجی مطالباً صرف نظر و از متعرض مطالبه دلایل مستقیم نموده است در صورتیکه کمتر کسی است که عمل نامشروعی مرتکب شود و مندرکی دست بدهد و با اصطلاح دمی لای تله بگذارد و فقط چیزی که دلیل دخالت در انتخابات میشود همان عدم معرفت وکیل در محل انتخاب و باعده ارتباط او با اهالی و با ترجیح بلا مرجع می باشد.

ولی اتفاقاً در انتخابات کلات و سرخس و در جز مدارکی دست آمده که عبارت از ۱۲ فقره یاد داشت و تلگرافات رمز جان محمد خان امیر لشکر شرق می باشد و با اینکه هیچ میل ندارم در این مجلس حرفی بزنم که باعث کترین رنجش یکی از همقطاران بشود خیر مملکت مرا وامیدارد که آنها را بدون ذکر نموده و تاریخ قرائت ننمایم

(۱) میرزا علی اکبر الله وردی اف با دستورانی که در موضوع انتخابات بسلطان سید عبدالله خان رئیس ساخلوداده شده لزوماً در جریان این امور بدستور مشار الیه با نهایت جدیت و کماهای محلی بعمل آورده و منتظر آنچه را که بوسیله مشار الیه دستور داده شده است انجام گیرد فرماندهی لشکر شرق جان محمد (شروع همهمه بین نمایندگان) زنگ رئیس

(۲) آقای صارم المالك در خصوص انتخابات دستور كاملي بساطان سيد عبد الله خان داده ام بايد با موافقت محلي شما بفوريت اين امر خاتمه يابد جان محمد نشان كره قول (خنده حصار)

(۳) آقای ميرزا محمود به نشان كره قول كه اظهار داشتيد خريده ايد لازم است جدت لازمه در انتخاب قديمي نمائيد منتظر نتيجه مطلوب يا قولي كه داده ام هستم جان محمد. مراسله را بوسيله حامل عودت دهند (همه نمايندگان)

حاج آقا رضا رفيع - آقا اينها توهين است اعتبار نامه و كيل گذشته شما چرا اين حرفها را ميزنيد؟ عمادی - اين مال وقتي است كه اعتبار نامه اش مطرح است.

دكتور مصدق - دخالت مأمورين است. بنده تا مطمئن نشوم رأي نتي دهم بنده عرض ميكنم مأمورين دولت دخالت كرده اند اين هم مداركش است... آقا سيد يعقوب - مجلس بوكيل رأي داده است مدرس - باشد چه اهميتي دارد

دكتور مصدق - بنده عقیده خودم را بايد در انتخابات و آزادي آن عرض كنم... دادگر - بنده استدعا مي كنم ايشان صحبتشان را تمام كنند

بعضی از نمايندگان - بفرمائيد

جلالئی - بفرمائيد براي اينكه عصري داد ميزنند نطق آقای دکتر مصدق

دكتور مصدق - چهارم مقام منبع امارت لشكر شرق دامت عظمة

محترما معروض ميدارد تلگراف خصوصي توسط فرمانده محترم در جز زيارت حسب الامر مبارك براي اجراء امر مبارك اطاعت خانزاد محمود درجزي - (مهر تلگراف خانه درجزي)

۵ - جناب آقای سلطان سيد عبدالله خان در فقره

اخير شما از لحاظ مبارك گذشت امر و مقرر فرمودند در صورتيكه موقع نگذشته بايد جدت نمائيد كه معتمد السلطنه انتخاب شود و امريه مبارك هم در اين خصوص تحت نمره... صادر و الساعه مخبره مي شود

منشی زاده (همه نمايندگان - صدای زنگ رئيس)

رئيس - عجالتاً بنده عقیده ام اين است كه چند دقيقه تنفس داده شود

جمعی از نمايندگان - صحيح است (در اينموقع جلسه براي تنفس تعطيل و بفاصله بيست دقيقه مجدداً تشكيل گرديد)

رئيس - آقای دکتر مصدق

دكتور مصدق - پنجم - جناب آقای سلطان سيد عبدالله خان دو فقره اخير شما از لحاظ مبارك گذشت امر و مقرر فرمودند در صورتيكه موقع نگذشته بايد جدت نمائيد كه زيد انتخاب شود و امريه مبارك هم در اينخصوص تحت نمره صادر و الساعه مخبره ميشود منشی زاده (۶) - سلطان سيد عبدالله خان در جواب راپرت نمره

فلان راجع بگوسفندان توقيفي در صورتيكه از بيست و چهارم تعرفه ميدهند هرگونه اقدام غير مستقيم ممكن است كه در موقع دادن رأي عوض اسم سهرابي بزويد رأي بدهند در جزها هم با انتخاب زيد كاملاً موافق و همين تلگراف را بميرزا محمود ارائه دهيد و بگوئيد نشاني كاغذيكه بوسيله قاصد فرستاده بودی و من جواب دادم كه انتخاب دبیر السلطان ضرری بامورات شما و خالصه آن حدود نميرساند حالا لازم است كه رأي دادن بدبیر السلطان را موقوف داشته و زويد رأي بدهند در هر صورت ميبايستی از نشيئات سهرابي جلوگيري و جدت نمائيد كه زيد انتخاب شود فرماندهی لشكر شرق جان محمد امريه نمره فلان زيارت اطاعت ميشود. خانزاد محمود درجزي (۷) در تعقيب امر نمره... اولاً كوشش نمائيد كه

بوسيله متنفذين محل زيد انتخاب شود

نانيا از دسايس دبیر السلطان كاملاً جلوگيري نموده خود از طرف من بمشاراليه ابلاغ نمائيد كه بمشهد حركت نماند.

ثالثاً ميرزا محمود درجزي و ساير متنفذين از طرف من ابلاغ نمائيد كه حتماً زيد ميبايستی انتخاب شود و جواب از ميرزا محمود گرفته مخبره نمائيد

رابعاً بقرار اطلاع واصله كارگذار مشغول تشبث جهت انتخاب قديمي و همچنين رئيس تلگراف مشغول وسيله ميباشد اگر مفاعتي در جريان انتخابات اين اشخاص دارند فوراً راپرت نمائيد

خامساً بقرار اطلاع هنوز ورقه تعرفه جهت سرخس و كلات نفرستاده ايد فوراً بفرستيد بهر دو محل جهت انتخاب زيد دستور لازم شده است نتيجه انتخابات را هرروزه راپرت نموده حتي المقدور سعی كنيد تا اول ماه انتخابات خاتمه يافته باشد جان محمد

(۸) سلطان سيد عبدالله خان بقرار راپرتي كه رئيس تلگراف در جز ميدهد هيئت نظار خيال مستعفي شدن را دارند اولاً از طرف من بمشار اليهم تذكر دهيد كه اين موقع بهر وجه اقتضای اينگونه عمليات را ندارد و باعث تعويق امور انتخابات ميباشد در هر صورت ميبايستی از اين قضيه جلوگيري نمود و هرچه زودتر مطابق دستور باسر انتخابات خاتمه دهيد و اگر هيئت محرك دارد مراتب را فوراً راپرت نمائيد فرماندهی لشكر شرق جان محمد ۹ - توسط رئيس ساخلو ميرزا محمود با مفتاح متحدالملك راجع باعزام سواران اسكورت در تعقيب دستورات ساق و جواب كاغذی كه توسط قاصد مخصوص فرستاده بوديد اينك تذكر ميدهد كه معتمد السلطنه ميبايستی از درجزي انتخاب شود بهر وسيله شده اكر دبیر السلطان و قديمي تشبثان می نمايند بايد با جدتي كامل جلوگيري نمائيد و در هر صورت منتظرم كه

تا ششم شوال عمل انتخابات بر وفق منظور خانه يابد البته در اين موقع از بنذل هيچگونه مساعدت مضايقه نخواهد نمود فرماندهی لشكر شرق جان محمد ۱۰ - دو طغرا امريه مبارك تحت نمره... و نمره زيارت حسب الامر آكنت را ملاقات اينك با نهايت احترام بعرض آستان مبارك ميرساند ۳۶۸ استعفاء انجمن نظارت عموميت نداشته و منحصر برئيس هيئت بوده او نيز بر اثر تذكر بخطای خویش يوم قبل شخصاً تقاضای استرداد استعفاي خود را نموده انجام خدمت را تا پايان امر عهده دار شد رئيس تلگراف بر اثر عسرت و كار گذار باطمینان مراحم بندگان حضرت اجل نسبت قديمي بدواً دخيل بك رشته دسائس بوده اند فدوي آنها را ملاقات و بوخامت اعمالشان متذكر نمود مدن است كه عمليات خود را بكلي متروك داشته اند امريه نمره... را بصارم المملك ارائه در ذيل آن اطاعت و انجام امر را متعهد شده ساير متنفذين را نيز احضار اوامر مطاعه را ابلاغ و ختم عمل را قول گرفت اوراق تعرفه سرخس و كلات را با وجود اينكه هنوز حواله اعتبار بماليه محل نرسیده دو روز قبل ارسال داشته مستدعي است امر بصدر فوري حواله صادر فرمائيد نمره... مورخه... ۱۳۰۵ رضا فرمانده ساخلو سلطان سيد عبدالله خان

نخواهيد نمود فرماندهی لشكر شرق جان محمد ۱۰ - دو طغرا امريه مبارك تحت نمره... و نمره زيارت حسب الامر آكنت را ملاقات اينك با نهايت احترام بعرض آستان مبارك ميرساند ۳۶۸ استعفاء انجمن نظارت عموميت نداشته و منحصر برئيس هيئت بوده او نيز بر اثر تذكر بخطای خویش يوم قبل شخصاً تقاضای استرداد استعفاي خود را نموده انجام خدمت را تا پايان امر عهده دار شد رئيس تلگراف بر اثر عسرت و كار گذار باطمینان مراحم بندگان حضرت اجل نسبت قديمي بدواً دخيل بك رشته دسائس بوده اند فدوي آنها را ملاقات و بوخامت اعمالشان متذكر نمود مدن است كه عمليات خود را بكلي متروك داشته اند امريه نمره... را بصارم المملك ارائه در ذيل آن اطاعت و انجام امر را متعهد شده ساير متنفذين را نيز احضار اوامر مطاعه را ابلاغ و ختم عمل را قول گرفت اوراق تعرفه سرخس و كلات را با وجود اينكه هنوز حواله اعتبار بماليه محل نرسیده دو روز قبل ارسال داشته مستدعي است امر بصدر فوري حواله صادر فرمائيد نمره... مورخه... ۱۳۰۵ رضا فرمانده ساخلو سلطان سيد عبدالله خان

(۱۱) توسط فرمانده محترم ساخلو نظامی در جز مقام منبع بندگان امارت معظم لشكر شرق دامت عظمة تلگراف مطاع نمره... توسط فرمانده محترم ساخلو در جز زيارت حدود و طابقه كه تقريباً دو هزار جمعيت ميشوند سپرده چاكر است هر امريه صادر شود از جان و دل در انجامش مضايقه ندارم بشرطيكه بعضی اشخاص دسيسه و آنتريك در اينكار دارند مينمايند رسماً هم براي فرمانده محترم در جز عريضه عرض نموده ام جلوگيري شود خانزاد محمود درجزي

رئیس ساخلو تلگراف شده لازم است بهر وسیله شده در انتخابات ادامه داده سعی کنید که معتمد السلطنه انتخاب شود فرمانده لشکر شرق جان محمد تلگراف نمره زیارت محمود در جزئی ضبط شود

سلطان سید عبدالله خان

این بود مدارک بنده راجع بداخله در انتخابات سرخس و کلات و در جز که بعرض رسید و هرگاه اطلاعات خود را نسبت بانخابات بعضی از نقط دیگر عرض کنم چون مدتی در دست نیست در این مجلس پذیرفته نخواهد شد چنانچه از قرائت تلگرافات رمز و نمره و تاریخ اسنادی که خوانده ام خود داری شده برای این است که یک وقتی بنده معاون وزارت مالیه بودم و در آن وزارتخانه خلاف کاری هائی میشد که بنده در استنار آنها خود داری می نمودم این مطلب سبب شده بود که بعضی مرا برای عدم حفظ اسرار سرزاش نموده و دلگیر شوند من در آن وقت می توانستم بخوبی از خود دفاع کنم و از دلگیر شدن بعضی هراس ننمایم زیرا هر امری از امور مالیه مربوط بجمع و خرج مملکتی است که در همه جا قانونا طبع و منتشر میگردد

و بجای اینکه کاشفین خلاف را نکوهش کنند آنها را تشویق می نمایند ولی در قرائت تلگرافات رمز و تاریخ و نمره آنها متردد چه ممکن است که از مطابقه تلگرافات رمز با کشفی که قرائت شد مفتاح رمز فرماندهی لشکر شرق بدست آمده و باین وسیله چیز هائی را کشف کنند که از اسرار اداری محسوب شود این است که بنده سواد تلگرافات رمز را که در این پاکت است بمقام ریاست مجلس شورای ملی میدیام

در این صورت جای این است که بنده از این دولت که خود را انقدر خیر خواه بقلم می دهد و بعنوان مختلفه اصول مهمه قانون مجازات را که در تمام ممالک رعایت می نمایند تقض و بر خلاف اصل عقاب بلا بیان موادی به مجلس می آورد سؤال کنم که چرا اشخاصی

که بناموس حقوق اجتماعی و آزادی ملی خیانت نموده اند تعقیب نمی نماید زیرا مداخله جان محمد خان ها در انتخابات مشمول ماده ۸۳ قانون مجازات عمومی است و عقاب بلا بیان هم نیست چه قانون مجازات قبل از انتخابات تصویب شده و خود جان محمد خان در متحاملی که قرائت می نمایم بمواد آن استناد می نمایند « نمره ۱۳۸۷۵ مورخ اول اسفند ۱۳۰۴ بنک که انتخابات دوره ششم زدیک و بزودی شروع می شود هیچیک از حکام و رؤسای ساخلو های نظامی و مامورین ادارات دولتی اعم از کشوری یا لشکری وجها من لوجوه حق اعمال نظر در امور انتخابات را نداشته و اهالی در انتخابات وکیل مطلقا آزاد می باشند اگر ثابت شود حال کم رئیس ساخلو نظامی یا مستخدمی از دوائر دولتی یا مامورین حوزه انتخابیه محل ها در اطراف انتخابات دخالتی طرفتی دسیسه تحریک تطمیع یا اعمال نفوذی نموده و اقتدارات دولتی را در امر انتخابات ناحیه خود بکار برده باشد بر طبق ماده ۴۲ قانون انتخابات و ماده (۹۱) و (۹۲) قانون مجازات عمومی مرتکب تعقیب و مجازات خواهد شد الی آخر » و باز خیر مملکت مرا و امیدارد که در خاتمه عرض کنم اگر وکیل را ملت انتخاب نمود ناچار است که در منافع ملت حرف بزند و رای بدهد ولی اگر مامورین انتخاب نمودند معلوم نیست که نفع کدام ملت را در نظر دارند لذا هر مداخله که در انتخابات بشود بسک بذریست که برای خیانت میکارند آزادی انتخابات نه تنها در مصالح مملکت است بلکه مجلس آزاد برای دولت درستکار وطن پرست بهتر و بزرگتر سنکر میباشد این هم سواد تلگرافاتی است که نمره و تاریخ همه چیزش هست و تقدیم مقام ریاست میکنم

شیروانی مخبر - قبلایک عیبی را که بنده در موقمی که آقای دکتر مصدق اجازه گرفتند گفتم باید عرض کنم در موقمی که ایشان اجازه گرفته اند بنده بشهادت دو نفر شاید

عادل و شاید چند نفر دیگر از آقایان هم شنیدند گفتم آقای دکتر مصدق امروز میخواهند بمجلس شورای ملی و رفقای خودشان حمله کنند حالا این غیب گوئی که عرض کردم برای این است که بنده و تمام این مملکت طرز و روبه و سابقه اشخاص را خوب تشخیص داده ایم عرض میکنم در بدایت فرمایشاتشان فرمودند که باید انتخابات آزاد باشد قید در مقابل انتخابات هم فقط مأمورین دولت تصور کردند و حتی قیود دیگر را اینقدر مشروع دانسته که فرمودند اگر بگفتم متنند چهار تا وکیل انتخاب کنند آنوقت مجلس سی تا وکیل صالح دارد تا این درجه نفوذ آزادیهای دیگر را مشروع تصور کردند....

دکتر مصدق - بنده همچو چیزی عرض نکردم

مخبر - بنده بگفتم که هیچ بین فرمایشات جنابعالی حرف نزدم ...

دکتر مصدق - تشکر میکنم

مخبر - بنده بر خلاف ایشان هر چیزی که مانع جریان طبیعی انتخابات باشد او را برخلاف آزادی میدانم راجع بدخالت مأمورین بنده خودم یکی از اشخاصی بودم در آن روزی که در اینجا مطرح شد اظهار عقیده کردم و بانهایت جدیت هم ایستادم که مامورین باید محروم باشند از انتخابات که دخالت نکنند منتها حضرتعالی يك پیشنهاد هم عقب سرش بستید و مشروطه را دفن کردید دخالت متفذین که حضرتعالی آنرا مشروع دانستید کمتر از دخالت مامورین نیست و بنده میخواهم عرض کنم او هم نامشروع است...

دکتر مصدق - البته.

مخبر - یکی دیگر که از همه بدتر است اغفال جامعه است که آنرا بنده نامشروع تر از دخالت مامورین و دخالت ملاکین میدانم. اغفال جامعه کدام است؟ آنرا که مأمور یا متنفذ وسیله عدم اجرای آزادی قرار میدهد يك قسمت اشخاصی هم هستند که طبیعت آنها را اغفال کرده یعنی بکسب اشخاص جاهل بیسواد که هر طرفی که

زورش زیاد تر باشد آن طرف او را جلب میکنند امثال ما ها پیدا می شویم و آنها را اغفال می کنیم یکی از چیز هائی که اگر حساب کنیم روی ساعت شماری ها حالا يك ثلث وقت ما را گرفته همان چیز هائی است که بعقیده بنده جلوگیری از آزادی انتخابات می کند و آن اغفال مردم است از قبیل گفتن بعضی حرفها حمله ببعضی مقامات استفاده از مذاکره قبل از دستور و بالاخره منفی یافتن در تمام قضایا و يك اظهار نظر مثبت نکردن....

دکتر مصدق - احسنت

مخبر - بنده از آقای دکتر مصدق میپرسم. ببخشید چون تعریض شخصی فرمودید بنده هم شخصا اسم میبرم با اینکه خدمتشان ارادت دارم از ایشان میپرسم از اول دوره پنجم تا کنون آن نظر مثبتی را که ایشان برای مصالح مملکت اظهار کرده اند کدام است؟

دکتر مصدق - اکثریت نداشتم

مخبر - شما باید نظر آنان را اظهار کنید...

دکتر مصدق - کردم

مخبر - و بگوئید با این روبه آزادی انتخابات تا مین نمیشود و باین قانون آزادی انتخابات تا مین نمیشود و عقیده من این طرز و روبه است و این ترتیب و قانون را بموقع عمل بگذارید حضرتعالی که تصدیق کردید قانون انتخابات ما غلط است و از غلط بودن قانون سوء استفاده کردید يك شب به خودتان زحمت ندادید که بنشینید و يك قانون انتخابات صحیح بنویسید و طرح قانون پیشنهاد کنید و بفرستید بمجلس...

دکتر مصدق - کنفرانس دادم

مخبر - کنفرانس آقا همان اغفال است که از دخالت متنفذین نامشروعتر است

دکتر مصدق - در مجلس هم گفتم

مخبر - ایشان اگر شخص عملی بودند این عبارت را که بنده یادداشت کردم نمی فرمودند فرمودند همین دولتی

که بعقیده ایشان دخالت در انتخابات میکند بایشان بگویند که دخالت نمیکند قانع می شوند. خوب دولت اگر این جا پشت تریبون به شما قول بدهد که انتخابات آزاد است ممکن است دولتی که این همه خلاف قانون میکند بعقیده شما بقولش هم رفتار نکند و بگوید قول مرد دو تا است. در هر صورت بنده دو روز پیش بیک کسی که مربوط بحضرتعالی مذاکرات میکرد و طرحی هم پیشنهاد کرده بود باو گفتم این طرح رأی یا مذاکره برای تهیه رای است خلاصه اینکه این هم بیک رویه ایست که ما در عوض گرفتن یک حرفهائی که مردمرا هدایت کنیم براه راست اغفالشان کنیم برای اینکه خودمان را انتخاب کنند. حالا این مشروع است یا نیست بنده کان میکنم خود آقای دکتر مصدق تصدیق کنند که نامشروع تر از دخالت مستخدمین دولت است...

دکتر مصدق - صحیح است

مخبر - عرض کنم صحبتی فرمودند از خوبی وکیل طبیعی و بدی وکیل غیر طبیعی بنده تصور میکنم در یک جامعه مثل جامعه ایران اعم از اینکه انتخاباتش در یکی از این طرق نامشروع باشد یا خیر بقدری مشروع باشد که برود توی خانه اش و درب خانه اش را ببندد و انتخاب شود... مثل آقای آقا شیخ علی مدرس یک همچو مرد بزرگواری که بالاخره طبیعی بودن انتخابات ایشان محرز است (دلیل قوی هم این بود که قبول نکردند ولی بنده آنهایی را که در ردیف ایشان بودند با اینکه آرائشان مساوی و یا بیشتر بود کمان می کشم تا آن اندازه طبیعی نبود نه اینکه حالا جسارت کنم بنده اشخاص را وقتی وکیل شده اند و اینجا نشسته اند محترم میدانم و وکیل ملت هستند ولی بایشان میخواهم عرض کنم که اول باید وکیل مفید باشد بعد طبیعی شما اگر توانستید یک وکیل مفید طبیعی انتخاب کنید این منتهای سعادت یک جامعه است وکیل باید مفید و طبیعی باشد اگر بنا باشد یکی که

طبیعی انتخاب میشود بگوید من را برای این کاری که انتخاب می کنند مفید نیستم مثل این است که ما یک حرکت لغوی کرده ایم البته تصدیق می فرمائید که بعضی انتخابشان طبیعی است اما یک وکلای خیلی مفیدی نیستند بنده تصور میکنم برای مملکت در اول درجه وکیل مفید لازم است بعد باید طبیعی باشد ایشان فرمودند در جواب آن شخصی که با او مذاکره کرده اند و او دخالت مأمورین را جایز می دانسته و ایشان دخالت متفذین را جایز میدانسته اند فرموده اند که: (در ضمن فرمایشاتشان بنده این طور شنیدم) اشخاص بی سواد آلت دست مأمورین واقع میشوند...

دکتر مصدق - بنده اینطور نکفم

شیروانی - پس استدعا دارم این اوراقی را که قرائت

فرموده اید تماماً با اداره تند نویسی بدهید

دکتر مصدق - بچشم

مخبر - بنده عرض می کنم شاید آن اشخاصی که سواد ندارند آلت یک نفوذ های نامشروعی بشوند ممکن است آلت اغفال اشخاص هم بشوند در صورتیکه حضرت عالی از این قسمت ذکری فرمودید اگر این عقیده را داشته باشید که رای دادن منحصر به با سوادها باشند بنده هم بحضرتعالی موافقم خوب است پیشنهاد بفرمائید بنده هم موافقت میکنم

دکتر مصدق - بنده کاملاً موافقم

مخبر - در اینجا فرمودید ممکن است مأمورین یک دستوراتی بهم بدهند و در امر انتخابات دخالت کنند و در نتیجه انتخابات را از جریان طبیعی خارج کنند خوب آیا ممکن نیست فرض شود که شما هم بکدخدای خودتان یک دستور هائی بدهید و دخالت هائی بکنید چطور شده آن دستور و دخالت اولی نامشروع ولی دومی مشروع است؟! اگر دستور است که مردو نامشروع است. اما راجع به یاد داشت هائی که

اینجا قرائت فرمودند بنده نمیخواهم به آقای دکتر مصدق سوء ظنی ببرم ولی آیا ممکن نیست همان کسی که این یاد داشت ها را بحضرتعالی داده خودش تمایل به ناراضی ها داشته باشخصاً از ناراضی ها بوده و خواسته باشد باین وسیله خدمت حضرتعالی برسد و یک چیز هائی ساخته باشد و امضای شخص خودش را هم پای آن زده باشد؟ بنده بحضرتعالی جسارت نمیکم ولی بآن کسی که این یاد داشت ها را بحضرتعالی داده عرض می کنم که این آدم شاید بآن خوش نامی ها هم که تصور میفرمائید نباشد و تصور نمی کنم این اسنادی که بدست سرکار داده عین اسناد واقعی باشد بلکه از قراریکه بنده شنیده ام و اطلاع دارم این آدم یک قسمت از املاکش را بوسیله کاغذ سازی بدست آورده. حالا ممکن است یک عده درشکه چی تهیه کرده و یک همچو اسنادی هم تهیه کرده و خدمت حضرتعالی آمده برای اینکه درشکه چی هایش را هم خدمت سرکار تقدیم کنند. چنانکه خیلی اشخاص در خیلی جاها جمع میشوند در خانه های وزراء قدیمان؛ در خانه ناراضی ها جمع میشوند و یک اقداماتی برای مقصودشان میکنند بلکه از آن طرف دنیا هم جمع میشوند درشکه چی ها را هم جمع میکنند و همه این کار ها را می کنند و البته حضرت عالی هم باید با آنها مساعدت بفرمائید و البته آنها هم باید شرفیاب شوند و اظهار خدمتگذاری بکنند ولی در هر صورت ممکن است حرفه اشان اینقدرها صحیح نباشد و یک یاد داشت هائی را بحضرتعالی داده باشند بدون اینکه صحت داشته باشد با بدون اینکه لا اقل سواد مطابق با اصل باشد آن وقت یک همچو نوشته جاتی را بحضرتعالی میآورید این جا و رفقای خودتان را مورد حمله قرار میدهید این را بنده نمیدانم چه صورتی خواهد داشت. عبارتی فرمودید راجع بقانون مجاز است عمومی این قسمت از فرمایش آقای دکتر مصدق را بنده کاملاً تصدیق میکنم

و معترفم که اگر قانون مجازات عمومی در يك دوره بموقع اجرا گذارده شود شاید اقلاما در يك دوره انتخابیه دیگر انتخابات عدلی و خبلی درخشانی را دارا خواهیم بود ولی این را هم باید عرض کنم که قانون مجازات عمومی در ادوار زمامداران قدیم هیچ محل مذاکره نبود و اسمی از آن برده نمیشد و این قانون الان هشت ماه است که صدایش بلند شده و انظار بطرف آن جلب شده است و الا در آن اوقاتی که خود آقای دکتر مصدق وزیر بودند ابدأ صحبتی از قانون مجازات درکار نبود و اگر کسی هم بایشان تذکر میداد قانون مجازات عمومی وضع شده و باید اجرا شود ایشان شاید جواب میفرمودند امروزه مقتضیات و مصالح مملکت اجازه نمیدهد که این قانون اجرا شود. در هر صورت بنده تذکر میدهم و مطابق وضعیت شخصی خودم هم میخواهم بایشان عرض کنم که بنده نه خودم متفذ هستم و نه وکیل دولت و اگر شخصاً آقا اطلاع داشته باشند بنده يك آدمی هستم که در نتیجه خدمات خودم فقط توانسته ام نظر مردم را جلب کنم و وکیل شوم بنده با ایشان هم عقیده هستم که هیچ دخالت مأمورین دولتی نباید در انتخابات وجود داشته باشد ولی بعقیده بنده هیچ نفوذی نباید در امر انتخابات دخالت داشته باشد نه نفوذ مأمورین دولت و نه متفذین و نه اغفال مردم.

وزیر داخله - بنده اصلاً ندانم که آقای دکتر مصدق بچه جهت این موضوع را مطرح کردند و يك مدتی وقت مجلس را گرفتند. اصل موضوع مسئله انتخابات نبود و جریانات انتخابات مطرح نبود. فقط موضوع يك لایحه بود که دولت برای مخارج انتخابات تقدیم مجلس کرده بود و تقاضا داشت که مجلس این اعتبار را تصویب کند و ما هم برویم مشغول کار خودمان باشیم هیچ مناسبت نداشت امروز آقای دکتر مصدق وارد این موضوعات بشوند. بنده مطلب را بقدری موهون و بی پایه میدانم که اصلاً نمیدانم وارد این مطلب

و جواب مطلب بشوم یا نه. آقای دکتر مصدق يك ورق باره هائى را مستند خودشان قرار دادند و يك حملاتى به نمایندگان محترم کردند که هیچ مورد نداشت. البته آقایان محترم که خودشان نشسته اند خودشان دفاع خواهند کرد و هر طور صلاح بدانند عمل می کنند و البته مختارند ولی يك نسبت هائى بمأمورین و به مقامات مقدسه علیه مملکت دارند که بنده ناچارم جدا تکذیب کنم و این عملیات هیچ واقع نشده و معلوم نیست که اصلاً این ورق باره ها را از کجا بدست آورده اند استدعا دارم آقایان با بنده موافقت بفرمایند که اصلاً این مذاکرات نشود اما راجع بجزایان آئینه انتخابات شرحی فرمودند بنده انتخابات را یکی از حقوق مسلمه ملت میدانم و صریحاً عرض میکنم که در حقوق مسلمه ملت هیچ کسی نمیتواند دخالت کند. وزارت داخله هم در انتخابات جز قانون هیچ چیز را ملاحظه نمیکند و چشمهایش کور است و جز اینکه قانون را به بیند از دیدن چیزهای دیگر محروم است.

دکتر مصدق - بنده خیلی معذرت میخواهم و نمیدانم جان محمد خان از مقامات مقدسه است!!

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

دادگر - بنده مخالفم

رئیس - بفرمائید.

دادگر - عرض میکنم بنظر بنده این اولین فورمولی است یعنی يك فورمول مخصوصی است که سلاسه سلاسه به مجلس آمد و آن این است که شخص روى يك قضایای احتمالیه شروع به انتقاد کردن بکنند. اگر آقای دکتر مصدق اجازه بدهند من در باره خودشان يك فرضی میکنم و روروشان میگزارم و بعد يك عریضی میکنم. آیا این مجاز است؟ به عقیده بنده مجاز نیست. نمیشود قضایای فرضیه را اختراع کرد و روى آن قضایای فرضیه انتقاد کرد. این يك موضوع جدید الولاده است که بنده بآن آشنا نیستم و نمی توانم فرض کنم که اگر

این طور بشود آن طور میشود. شما روى قضایای فرضیه و احتمالیه نباید حکم کنید و آنوقت از هم کار خود و کسی که در ردیف شما نشسته و با سرکار کولک است و سالها از وحدت عملتن میگذرد انتقاد کنید. بالاخره این استیناف ناگهانی و این تمیز علی الغفله هیچ مورد ترقب ما نبود زیرا حالا مسئله انتخاب ایشان مطرح نبود. بنده نظر آقای دکتر را جلب میکنم بيك مسأله که حالا عرض میکنم و این هم که بنده گفتم مذاکرات کافی نیست برای این است که این مطلب را عرض کنم. در آخر دوره پنجم اگر نظر آن باشد يك جریاناتی در همین مجلس در کار بود که حضرتعالی و چند نفر از رفقا مخالف آن جریان بودید یعنی طرز فکر آن باما مخالف بود اگر انتخابات آزاد نبود بالاخره شما بیایستی از وکالت این دوره محروم باشید و اگر يك دوائى بود که میخواست طرز فکر شما را دخالت ندهد شما امروز اینجا نبودید برای اینکه شما تظاهر به عقیده مخالف کرده بودید و شما باما مبارزه کرده بودید ولی چون حضرتعالی يك آدمی بودید که عقیده خودتان را گفته بودید همان آزادی انتخابات شما را اینجا آورد که باز هم فکر خود را بگوئید پس از این جهت هیچ مانعی در کار نبود خوب در خاطر آمد که در انتخابات دوره ششم آقای ملک الشعراء شریف دارند و بنده مخصوصاً از ایشان استشهد میکنم) آقای مدرس که در آنوقت رل اقلیت را بازی میکردند نمایندنده ولیدر اقلیت بودند، با آن ترتیب حوزه انتخابیه و آن انجمن نظارت که انتخاب شده بود مخالف بودند و آن ترتیب چون مخالف میل و دلخواه لیدر اقلیت بود از این جهت انجمن نظارت مرکزى تغییر یافت و انتخابات با کمال وسعت و آزادی بجزایان افتاد و بالاخره مولودش همین آقایان هستند که اینجا حضور دارند. پس در این صورت چه طور میشود گفت که انتخابات دوره قبل آزاد نبود و چه طور اسباب اینگونه سوء تفاهم شده؟ بنده شما را از ادب دارم و این تذکراتی هم که میدهم از لحاظ ارادت

است. ولی ناچاراً عرض میکنم بعضی اوقات این حرف های شما مضر است. شما تعریف يك پارلمان که آخر دوره اش هست دارید میکنید و میگوئید انتخاباتش بر خلاف آزادی بوده است. در صورتیکه این مجلس قانون گذرانده مباشرکار های مملکتی بوده و هزار کار کرده آنوقت شما دارید این پارلمان را انتقاد میکنید و این البته برای مملکت مضر است. آقای دکتر مصدق. شما يك آدم عاقلی هستید و باید بدانید که بيك مجلسی که کار کرده و قانون گذرانده شما نباید بگوئید مبان غلط داشته است بالاخره وطن پرستی يك راهی دارد. طرزی دارد. حرف خیلی است. مگر همه را باید گفت؟ مگر انسان تمام مطالب را باید بگوئید؟ شما خودتان کار بر دپلوماتیك دارید شما چه حق دارید این جا از مجلس و از رفقای خودتان انتقاد کنید؟ در صورتیکه شما و تمام کسانی که خیال کرده اند حکومت آن روز هائل انتخابات بوده الان در مجلس شورای ملی حضور دارند و از هر طبقه و صنفی نمایندنده و وکیل دارند و همیشه هم خواهند داشت و هیچکس هم نمیتواند این مسئله را سد کند و انتخابات همیشه با کمال صحت بجزایان خواهد افتاد از حضرتعالی خواهش میکنم که با قضایای احتمالیه و جملات فرضیه يك حکم قاطعی نفرمائید و الا اگر اجازه بدهید بنده همین الان يك قضایائی را درباره خودتان فرض میکنم و روى آن قضایای فرضیه از حضرتعالی انتقاد می کنم و دو هزار حرف درشت بشما میزنم. حرف ها را باید واضح و بر ملا و آشکارا گفت. اما راجع به میرزا عبد الله خان وثوق که فرمودید لازم است عرض کنم که آقا میرزا عبد الله خان وثوق يك آدم مجهول و نامعروف و متروکی نبوده است که بخواهد این همه تشبیه برای انتخاب خودش بکار برد. يك نفر رفیق شما بوده است که آمده در مجلس بالاخره با شما همکار بوده. اینقدرها هم ضعیف و بی وسيله نبوده است که برای انتخاب خودش بخواهد اینقدر تشبیه و اسباب بر انگیزد؟ شما چرا بيك

رفیق خودتان این طرز تنقید میکنید توبیخ میکنید؟ چرا جمله های ثابت نمیگوئید؟ مسئله دیگری که باید نظر شما را جلب کنم مسئله سواد های اوراق غیر مصدق است حضرتعالی يك اوراقی را ارائه میدهید و میخواهید در صورتیکه هیچ ضابطه در کار نیست یعنی افلا اوراق مصدق نیست. در صورتیکه تصدیق میفرمائید خودتان که برای هر کاری مخصوصاً در مجلس شورای ملی باید ضابطه در کار باشد و اگر آن ضابطه بهم بخورد کارها حقیقه بدی شود. بنده خودم را مثال میزنم و برای اینکه اهانت بهمکار های خود بکنم ممکن است دو هزار حرف زد فرض بفرمائید آقای ملک الشعراء يك اوراق و يك کاغذهاییکه مطلقاً کتات شده است امروز صبح بیاورند بمجلس و در نتیجه يك رشته الفاظ و کلمات زشت و فحش بن بدهند آنوقت يك دسته اوراق اوراق هم تقدیم مقام ریاست کنند و بگویند این اسناد و مدارك من است از شما می پرسم آیا این جایز است؟! خیر جایز نیست کاغذ هائی را که انسان باو استشهد و استناد می کند در واقع و نفس الامر باید صورت و مدرکی داشته باشد و الا ممکن است بنده فردا در خانمان اخوی را صدا کنم و باو بگویم يك کاغذ هائی بنویسد و در آن هزار نوع فحش و تنقید باقا بدهم و فردا يك دسته کاغذ روى میز بگذارم و بدهم به آقای رئیس و بگویم این اسناد من است این چه فایده دارد؟ خیلی جاها خیلی چیزها هست بن چه؟ در بانك شاهنشاهی هم خیلی پول است بن چه شما چرا با اسناد و مدارك ضعیفه يك بیاناتی میکنید يك مسئله مهم دیگری است که بنده شما را بان تذکر میدهم فرض بفرمائید الان آخر زندگانی ما است و چون چنانچه عرض کردم باید يك ضابطه هائی در کار باشد و نباید يك مطلبی که گذشته ما دوباره از نو شروع کنیم. هر کس يك غرض شخصی با کسی دارد نباید جلو رویش يك حرفهائی بزند و فحش بدهد و استناد بيك اوراق غیر مصدق بکند و بگوید این ها مؤبدات من است.

حضرتعالی آدم عقی هستید و نباید اجازه بدهید که يك چیزهائی که داخل در هیچیک از ضابطه های اجتماعی نیست در اینجا گفته و اظهار شود. اما انتخابات آقای میرزا عبدالله خان وثوق بنده خودم اطلاع دارم که انتخابات ایشان يك انتخابات عادی بوده. یعنی مثل انتخابات ماها است...

(همه نمایندگان)

افسر - اینطور نیست. توهین نکنید

دادگر - آقای شیروانی مسئله را خوب تجزیه کرد و واقعاً يك حرف صحیحی زد، حضرتعالی استدلال غریبی کردید. چند تا عیب شماره کردید و گفتید که اگر در انتخابات فلان عیب باشد بد است و مداخلات را بد دانستید آنوقت آن چند تا که عاید خودتان میشد سوهانش زدید و تنزل دادید و هیچ نگفتید اما آن چند تا دیگر را که عاید خودتان نمیشد پشت ذره بین گذاشتید و خیلی بزرگ کردید. بنده عرض میکنم در انتخابات مطلقاً نباید مداخله کرد و هیچکس نباید در حقوق ملت مداخله کند و ملت هم نباید بگذارد که هیچکس در حق مشروع او دخالت کند. امیدواریم يك وقتی هم همینطور بشود. قیاسات دلیلهای آنها. خود حضرتعالی در آن جا نمانده این اراده و فکر هستید که باید انتخابات کاملاً آزاد باشد و به عقیده بنده قطعاً همینطور هم بود زیرا آقا اگر انتخابات آزاد نبود شما امروز این جا تشریف نداشتید شما که امروز این جا هستید برای این بوده است که جریان انتخابات بر روی آزادی بوده ما از مجلس پنجم کسر و محذوف که نداریم سهل است شاید اضافه هم داریم آقا سید یعقوب - بس است دیگر تمام کن

دادگر - بالاخره آقا سید یعقوب دوست نمیدارد کس دیگری حرف بزند

آقا سید یعقوب - زیاد روی میکنید

دادگر - ما این زیاد روی هارا از شما اقتباس کردیم.

آقا سید یعقوب - من دريك چیزی که منفعت دارد حرف میزنم دادگر - شما موضوع نافع اصلاً ندارید و تشخیص نمیدهید و طرز فکران اصلاً با ما فرق دارد بنده عرض میکنم روی قضایای فرضیه نباید فحش داد. کاغذ های باطله را هم نباید اسناد مثبت قرار داد. وکیل که حضورش در مجلس دلیل قاطع آزادی انتخابات است نباید بگوید انتخابات آزاد نبوده. امیدواریم انشاءالله حضرت عالی هم بدون این که محتاج باین اقدامات باشید بحول الله باز هم انتخاب بشوید. و رفع هرگونه نگرانی بشود.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

عراقی - بنده مخالفم

رئیس - بفرمائید

عراقی - اینکه بنده با کفایت مذاکرات مخالفم برای این است که اولاً آقای وزیر داخله در پشت تریبون يك صحبتی کردند و اسمی بردند که بمقامات عالییه توهین شد امیدوارم انشاءالله مقصودشان از مقامات عالییه همان مجلس شورای ملی بوده نه چیز دیگر دیگر اینکه در ضمنی که آقای دادگر فرمودند انتخابات آقای میرزا عبدالله خان وثوق هم مثل همه است آقای افسر بطور شوخی فرمودند خیر اینطور نبوده...

افسر - خیر - شوخی عرض نکردم - جدی گفتم

عراقی - اجازه بفرمائید عرض کنم انتخابات آقای

وثوق هم صحیح و مثل انتخابات همه آقایان بوده بهترین

دلیل همینستکه مجلس شورای ملی به صحت اعتبارنامه

ایشان رأی داده است و اگر ناصحیح بود مجلس رأی

نمیداد.

رئیس - پیشنهادها قرائت میشود.

یکی از نمایندگان - یکساعت از ظهر گذشته. ختم

جلسه.

رئیس - آقای روحی پیشنهاد ختم جلسه کرده اند بفرمائید.

روحی عرض میکنم تقریباً بیست تا پیشنهاد است و در هر کدام که پنج دقیقه حرف زده شود متجاوز از یکساعت طول خواهد کشید در صورتی که حالا یکساعت

از ظهر گذشته از این جهت بنده پیشنهاد کردم جلسه ختم شود. فردا صبح جلسه است میآئیم و تمام میکنیم فاصله اش هم خیلی کم است جمعی از نمایندگان - صحیح است (مجلس یکساعت و ربع از ظهر گذشته ختم شد)